

مرکز مدیریت حوزه های علمیه
دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درآمدی بر علم صرف

ویراست جدید

فعل اسم ثلاثی رباعی مجزّد مزید ماضی مضارع امر مذکر مؤنث اعلال
تخفیف ادغام فعل اسم ثلاثی رباعی مجزّد مزید ماضی مضارع امر مذکر
مؤنث اعلال تخفیف ادغام فعل اسم ثلاثی رباعی مجزّد مزید ماضی مضارع
امر مذکر مؤنث اعلال تخفیف ادغام فعل اسم ثلاثی رباعی مجزّد مزید
ماضی مضارع امر مذکر مؤنث اعلال تخفیف ادغام فعل اسم ثلاثی رباعی
مجزّد مزید ماضی مضارع امر مذکر مؤنث اعلال تخفیف ادغام فعل اسم ثلاثی
ثلاثی رباعی مجزّد مزید ماضی مضارع امر مذکر مؤنث اعلال تخفیف
فعل اسم ثلاثی رباعی مجزّد مزید ماضی مضارع امر مذکر مؤنث اعلال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دفتر تدوین متن درسی حوزه های علمیه

درآمدی بر علم صرف

(صرف ۱)

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فهرست مطالب

مقدمه مرکز..... ۷

مباحث مقدماتی

درس ۱: علم صرف..... ۱۲

درس ۲: بناء و وزن کلمه..... ۱۵

مبحث فعل

درس ۳: صیغه‌های فعل..... ۲۲

درس ۴: ماضی..... ۲۶

درس ۵: مضارع..... ۳۱

درس ۶: امر..... ۳۷

درس ۷: فعل ثلاثی مزید..... ۴۳

درس ۸: باب‌های افعال و تفعیل..... ۴۷

درس ۹: معلوم و مجهول..... ۵۳

مبحث اسم

درس ۱۰: مذکر و مؤنث..... ۵۸

درس ۱۱: مثنی، جمع، منسوب، مُصَغَّر..... ۶۱

درس ۱۲: اسم فاعل و اسم مفعول..... ۶۶

درس ۱۳: صفت مُشَبَّهه، اسم مبالغه، اسم تفضیل..... ۷۰

مبحث غیر سالم (تغییرات لفظی)

درس ۱۴: سالم و غیر سالم ۷۴

درس ۱۵: اعلال ۷۷

درس ۱۶: تخفیف و ادغام ۸۰

دفتر ادوین متون درسی حوزه های علمیّه

الإمام الصادق عليه السلام :

تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ خَلْقَهُ

(خصال، ج ۱، ص ۲۵۸)

مقدمه مرکز

«ادبیات عربی» از مجموعه علومى همچون «صرف»، «نحو»، «لغت»، «معانى»، «بیان» و «بدیع» تشکیل شده است که هر کدام از دریچه‌ای، به «کلمه» و «کلام» عربی نگریسته‌اند. از کلام اندیشمندان به خوبی می‌توان به جایگاه علم صرف پی برد؛ از «ابن فارس» نقل شده که: «هر کس با علم صرف آشنا نباشد بخشی قابل توجه از فهم زبان و لغت عربی را از دست داده است»^۱.

بر اساس مصوبه کمیته آموزش شورای گسترش حوزه‌های علمیه، آموزش صرف به صورت مرحله‌ای انجام می‌پذیرد که این کتاب به علم صرف در مرحله آشنایی می‌پردازد. در اینجا لازم است برخی نکات درباره این کتاب ارائه شود:

۱. آشنایی با ساختار اصلی علم صرف و مهم‌ترین مفاهیم آن، از اهداف این کتاب می‌باشد. از این رو آموزش برخی مباحث و نکات به مراحل بعدی واگذار شده است و از استادان محترم انتظار می‌رود در این مرحله، آنها را مطرح نفرمایند.

۲. در نگارش این کتاب، معلومات فارغ التحصیلان پایه هشتم دبیرستان، به عنوان حداقل سطح علمی فراگیران این کتاب، در نظر گرفته شده است؛ از این رو، تعاریف اصطلاحاتی

۱. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۰۱.

مثل کلمه و اقسام سه‌گانه آن، مصدر، مفرد، مثنی و جمع ذکر نشده است و به همان معنای ارتکازی که نتیجه فراگیری عربی و ادبیات فارسی تا پایه هشتم دبیرستان بوده، اکتفا شده و تعاریف فنی این اصطلاحات، به کتاب بعدی (مرحله شناخت) موکول شده است.

البته ممکن است مباحث این کتاب برای فارغ التحصیلان دیپلم و دانشگاهی، ساده به نظر برسد؛ اما:

اولاً: به علت پراکندگی مباحث صرفی در کتاب‌های عربی دبیرستان، بسیاری از دانش‌پژوهان، شاکله کلی مباحث صرف را به صورت منسجم در ذهن ندارند.

ثانیاً: ممکن است برخی مطالب به مرور زمان، فراموش شده باشد.

ثالثاً: شیوه طرح مباحث صرفی در کتب عربی دبیرستان و نیز تعابیر و اصطلاحات به کار رفته در آن، گاه با کیفیت چینه‌ش مباحث و نیز اصطلاحات متداول در کتب صرفی منطبق نیست.

البته اساتید محترم می‌توانند متناسب با سطح علمی فراگیران، برخی درس‌ها را با سرعتی بیشتر ارائه دهند و در یک جلسه بیش از یک درس را تدریس نمایند.

۳. سعی بر این بوده تا جایی که خلل علمی جدی بر مطالب وارد نشود، از واژه‌ها و اصطلاحات پیچیده استفاده نشود و نثری روان و ساده ارائه گردد و در موارد متعدّد، ذکر جزئیات و فروع یا استثنائات، به کتاب بعدی محوّل شده است.

۴. شاید در نگاه اول، کثرت جدول‌ها در این کتاب کمی ملال‌آور به نظر برسد؛ ولی در این سطح (که مخاطب نیازمند پی‌گیری و مشاهده تغییرات تک‌تک صیغه‌های مختلف افعال است) موجب تسهیل در آموزش می‌شود.

۵. تنوع مثال‌ها و ترجمه آنها و نیز ترجمه لغات در پاورقی‌ها، موجب تشکیل و تکمیل گنجینه لغات فراگیران می‌شود. از ترجمه لغاتی که تا پایه هشتم دبیرستان در کتب عربی آمده، خودداری شده است.

۶. از استادان مکرم استدعا می‌شود نظارت لازم را بر حسن پاسخگویی فراگیران به «پرسش و تمرین» هر درس مبذول فرمایند.

۷. یکی از عوامل دلزدگی فراگیران ادبیات عربی، حس بی‌ضابطه و بی‌قانون بودن این علم است؛ از عوامل پیدایش این حس، ذکر بیجا و زودهنگام موارد «سماعی» است؛ لذا در این کتاب سعی بر برجسته‌سازی بخش‌های «قیاسی» این زبان بوده است.

۸. فراگیری ادبیات عربی وقتی شیرین می‌نماید که ثمره آن، موجب فهم و درک درست از متون دینی شود. برای تسریع در این امر و استفاده حداکثری از پیام‌های اخلاقی آیات و روایات شریفه، ترجمه تمام آنها در پاورقی ذکر شده است. در ترجمه آیات نورانی قرآن کریم، عمدتاً از ترجمه آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله) بهره‌جسته‌ایم.

۹. دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه بر خود لازم می‌داند تا مراتب سپاس و تقدیم و تقدیر خویش را از کلیه اساتید بزرگواری که این اثر، مرهون تلاش علمی آنها است، ابراز نماید؛ به‌ویژه استاد حجت الاسلام فرامرز علیزاده که در تدوین اولیه اثر نقش اصلی را داشته‌اند و این اثر مرهون فکر، تجربه و تلاش علمی ایشان است و نیز از مدرّسان محترم که با ارسال نظرات خود به غنای اثر افزوده‌اند و اعضای محترم کمیته تخصصی صرف دفتر تدوین متون که در تکمیل این اثر نقش اساسی را داشته‌اند.

توفیق روز افزون آنان را از خداوند متعال مسألت داریم.

۱۰. هر اثری که زائیده فکر بشری باشد، عاری از اشتباه و خطا نیست. امید است استادان محترم با راهنمایی‌های خود، ما را در تکمیل این اثر یاری رسانند. استادان محترم می‌توانند نظرهای خویش را از طریق پایگاه اینترنتی مرکز تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، به نشانی www.tmd.ir ارسال فرمایند.

امید است این ناچیز، مقبول مولا و ولی نعمت‌مان حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه) قرار گیرد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

تابستان ۱۳۹۶

استاد محترم :

آموزش صرف در سه مرحله انجام می شود:

۱- مرحله **آشنایی**؛ کتاب حاضر (طی حداکثر ۲۰ ساعت)

۲- مرحله **شناخت**؛ کتاب دانش صرف یا کتاب صرف ساده

با توجه به تأثیر تمرین در تثبیت آموخته های صرفی توصیه می شود اساتید محترم در مرحله شناخت ، از کتب تمرین از جمله کتاب کارگاه صرف استفاده نمایند .

۳- مرحله **تکمیلی**؛ کتاب صرف کاربردی ، نشر مرکز مدیریت حوزه های علمیه (در اوایل پایه دوم)

کتاب حاضر «**در آدی بر علم صرف**» بر اساس سرفصل های مصوب و با هدف آشنایی اجالی طلاب با ساختار کلی علم صرف و تناسب با مرحله آشنایی، تدوین شده است .

لطفاً به هیچ عنوان مباحثی را فراتر از آنچه در کتاب آمده، مطرح نفرمایید.

در صورت آگاهی طلاب از مباحث کتاب و موفقیت در آزمون ، الزامی به برگزاری کلاس تا سقف ساعت مصوب نیست .

مباحث مقدماتی

دفتر تدوین متن‌های درسی حوزه های علمیّه

درس اوّل

علم صرف

این درس به :

* ضرورت فراگیری زبان عربی

* علم صرف، دامنه و فایده این علم

خواهد پرداخت.

مقدمه

برای فهم مستقیم معانی آیات حیات بخش و هدایتگر قرآن کریم، احادیث نورانی و پرمعنای اهل بیت علیهم السلام، ادعیه و مناجات‌ها و زیارت‌های زیبا و عاشقانه و نیز کتاب‌های دانشمندان بزرگ که به زبان عربی در رشته‌های گوناگون و در طول قرن‌ها نگاشته شده، باید **زبان عربی** را به خوبی بشناسیم.

به همین جهت از دیرزمان، طلاب در حوزه‌های علمیّه، قبل از ورود به شاخه‌های گوناگون علوم اسلامی، ابتدا زبان عربی را که **زبان دین و معارف اسلامی** است، به خوبی فرامی‌گیرند و پس از دستیابی به این ابزار لازم، به چشمه‌های زلال و گوارای علوم اسلامی راه می‌یابند.

از میان اقوام و ملل جهان، فارس زبان‌ها، راحت‌تر از دیگران می‌توانند زبان عربی را فراگیرند؛ زیرا تمام حروف زبان عربی در زبان فارسی نیز وجود دارد، بسیاری از کلمات عربی در فارسی هم به کار می‌رود و کلمات فراوانی نیز از فارسی به عربی راه یافته است.

ادبیات عربی

به مجموعه دانش‌هایی که مربوط به فراگیری زبان عربی است، **علوم ادبیات عربی** یا **علوم ادبی** گفته می‌شود. از مهم‌ترین و پرکاربردترین این دانش‌ها، دو علم صرف و نحو است. در این کتاب، با مهم‌ترین موضوعات مطرح در علم صرف، آشنا خواهیم شد تا برای ورود به مباحث گسترده‌تر در کتاب بعدی این علم، آمادگی پیدا کنیم.

علم صرف

می‌دانیم که در تمام زبان‌ها، هر جمله از چند **کلمه** تشکیل می‌شود. در زبان عربی - همچون فارسی - کلمه به سه دسته تقسیم می‌شود: **فعل**، **اسم**، **حرف**.
فعل مانند: **نَصَرَ** (یاری کرد) - **يَنْصُرُ** (یاری می‌کند) - **أَنْصُرُ** (یاری کن)
اسم مثل: **الله** - **نَصْر** (یاری کردن) - **عالم** (دانا)
حرف همچون: **لِ** (برای) - **إِنْ** (اگر) - **هَلْ** (آیا)
علم **صرف** به بررسی **ساختار فعل و اسم** در زبان عربی می‌پردازد؛ مثلاً در بخش فعل، ساختارهایی مثل ماضی و مضارع بررسی می‌شود و در بخش اسم، ساختارهایی مانند مثنوی و جمع مطرح می‌شود.

«حرف» دارای ساختارهای مختلف نیست؛ بنابراین، خارج از دایره مطالب اصلی علم صرف است.

با فراگیری علم صرف می‌توانیم به شناختی درست از کلمات عربی دست یابیم؛ اما مطالب مربوط به **ترکیب کلمات در جمله**، در علم **نحو** فراگرفته می‌شود.

خلاصه درس

- * زبان عربی، زبان دین و معارف اسلامی است و برای بهره‌گیری از منابع دینی و علوم اسلامی، باید ابتدا ادبیات عربی را فراگیریم.
- * صرف و نحو، از مهم‌ترین علوم ادبیات عرب هستند.
- * کلمه در زبان عربی به سه دسته فعل، اسم و حرف تقسیم می‌شود.
- * ساختار فعل و اسم در علم صرف بررسی می‌شود.
- * با فراگیری علم صرف، انواع کلمات عربی را می‌شناسیم و برای شناخت جملات، نیازمند علم نحو هستیم.

پرسش و تمرین

- ۱- چه نیازی به یادگیری زبان عربی داریم؟
- ۲- علم صرف به بررسی چه چیزی می‌پردازد؟
- ۳- در کلمات قرآنی زیر، فعل، اسم و حرف را مشخص کنید.
ظَلَمْتُ (ظلم کردم)، **بَصِير** (بینا)، **يَخْرُجُونَ** (خارج می‌شوند)، **مِنْ** (از)
إِذْ (زیرا)، **حَجَر** (سنگ)، **لَكِنَّ** (اما)، **ذَنْب** (گناه)، **إِذْ** (زیرا)

درس دوم

بناء و وزن کلمه

این درس به:

* تعریف حروف اصلی و زائد

* بناءهای فعل و اسم

* معرفی وزن

خواهد پرداخت.

حروف اصلی و زائد

بیشتر کلمات عربی دارای «خانواده» اند؛ مانند:

عَلِمَ، يَعْلَمُ، أَعْلَمُ، عَالِمٌ، تَعْلِيمٌ و...

زَلَزَلَ، تَزَلَزَلَ، زَلْزَالَ، زُلْزُلٌ و...

خَزَعِبِلَ، خُزَعِبِيلٌ و...

۱. آگاه کرد، باخبر کرد.

۲. زَلَزَلَ: لرزاند؛ تَزَلَزَلَ: لرزید.

۳. لرزاندن.

۴. طبل زن ماهر.

۵. خُزَعِبِلَ و خَزَعِبِيلَ: کلام باطل یا خنده‌دار.

با بررسی کلمات هم‌خانواده در می‌یابیم که برخی از حروف در همه آنها «تکرار» شده‌اند؛

مانند:

حروف «ع ل م» در گروه اول

حروف «ز ل ز ل» در گروه دوم

حروف «خ ز ع ب ل» در گروه سوم

به این دسته از حروف، «حروف اصلی» می‌گویند. در مقابل، به حرف یا حروفی که تنها

در برخی از کلمات هم‌خانواده وجود دارند، «حروف زائد» می‌گویند؛ مانند:

حروف «ی ا ا ت» در گروه اول

حروف «ت ا» در گروه دوم

حرف «ی» در گروه سوم

بناء (ساختار) فعل

فعل دارای چهار بناء است؛ اگر فعل دارای سه حرف اصلی باشد، به آن «ثلاثی» و اگر دارای چهار

حرف اصلی باشد، به آن «رُبَاعی» می‌گویند و هر کدام اگر حالت مفرد مذکر غائب ماضی اش بدون

حرف زائد باشد، به آن «مُجَرَّد» و اگر دارای حرف زائد باشد، به آن «مَزِيد» می‌گویند؛ مانند:

فعل			
رُبَاعی		ثَلَاثی	
مَزِيد	مُجَرَّد	مَزِيد	مُجَرَّد
تَزَلَّزَل	زَلَّزَل	أَعْلَمَ	عَلِمَ

بناء (ساختار) اسم

اسم دارای شش بناء می‌باشد؛ زیرا یا دارای سه حرف اصلی است که به آن «ثلاثی» می‌گویند، یا دارای چهار حرف اصلی است که «رُباعی» نامیده می‌شود یا دارای پنج حرف اصلی است که به آن «خُماسی» می‌گویند. هر یک از این اقسام یا بدون حرف زائد است که به آن «مَجْرَد» گفته می‌شود، یا دارای حرف زائد است که به آن «مَزید» می‌گویند؛ مانند:

اسم					
خُماسی		رُباعی		ثلاثی	
مَزید	مَجْرَد	مَزید	مَجْرَد	مَزید	مَجْرَد
خُزْعِیل	خُزْعِل	زُلْزَال	زُلْزَل	تَعْلیم	عِلْم

وزن

پس از مراجعه به کلمات هم‌خانواده و تشخیص حروف اصلی و زائد، برای سهولت در «فرایند یاددهی و یادگیری» از «علائم رمزی» برای «نشان دادن» و «تمایز» این حروف از یکدیگر استفاده می‌شود:

رمز اولین حرف اصلی ← **ف** (فاء الفعل)

رمز دومین حرف اصلی ← **ع** (عین الفعل)

رمز سومین حرف اصلی ← **ل** (لام الفعل / لام الفعل اول)

رمز چهارمین حرف اصلی ← **ل** (لام الفعل دوم)

رمز پنجمین حرف اصلی ← **ل** (لام الفعل سوم)

آن‌چه با جانشینی این حروف به جای حروف اصلی و تطابق در نوع حرکت و سکون با

کلمه مورد نظر به دست می‌آید، «وزن» نامیده می‌شود؛ مانند:

مَ	لِ	عَ
↓	↓	↓
لام الفعل	عين الفعل	فاء الفعل
لَ	عِ	فَ

بروزن ←

لَ	زَ	زِ	زَ
↓	↓	↓	↓
لام الفعل دوم	لام الفعل اول	عين الفعل	فاء الفعل
لَ	زَ	عِ	فَ

بروزن ←

لَ	بِ	عَ	زَ	خُ
↓	↓	↓	↓	↓
لام الفعل سوم	لام الفعل دوم	لام الفعل اول	عين الفعل	فاء الفعل
لَ	بِ	زَ	عَ	فُ

بروزن ←

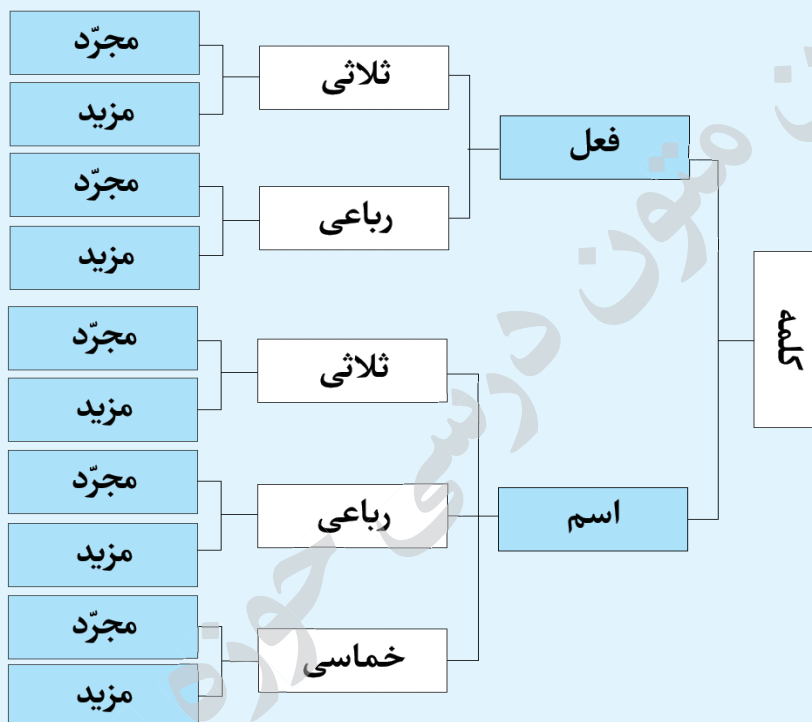
البته اگر در کلمه‌ای حرف زائد وجود داشت، خود آن زائد در وزن آورده می‌شود؛ مانند:

أَعْلَمَ	بروزن	أَفْعَلَ
زَلْزَالَ	بروزن	فِعْلَال
خُرْعَبِيلَ	بروزن	فُعْلِيل (فُعْلِيل)

دفتر تدوین و نشر علمی

خلاصه درس

* بالحاظ تعداد حروف اصلی و بود یا نبود حروف زائد، فعل دارای چهار و اسم دارای شش بناء است.



* برای نشان دادن «حروف اصلی و زائد کلمات» از «وزن» استفاده می شود.

پرسش و تمرین

۱- کاربرد وزن چیست؟

۲- وزن کلمات زیر چیست؟

«عَفَرَ، يَغْفِرُ، عُفْرَانُ، مَغْفِرَةٌ، عَفُورٌ، عَفَّارٌ، غَافِرٌ، اِسْتِغْفَارٌ»

۳- با حروف اصلی «ش ه د» در قالب وزن‌های خواسته شده کلمه بسازید:

فَعِلٌ، يَفْعَلُ، فُعُولٌ، فَعَالَةٌ، فَاعِلٌ، مَفْعُولٌ، فَاعَلٌ، مُفَاعَلَةٌ، فَعِيلٌ، مَفْعَلٌ

دفتر نشر فرهنگ ایران
موسسه تخصصی زبان
آموزش زبان فارسی
درس حوزه های علمیّه

مبحث فعل

دفتر تدوین متن علمی و نشر علمی
حوزه های علمی

درس سوم

صیغه های فعل

این درس به:

* صیغه های مختلف فعل و دلیل اختلاف آن

خواهد پرداخت.

هر فعلی، نیازمند **فاعل** است. حالت های مختلف «فاعل»، باعث ایجاد شکل های گوناگونی در فعل می شود که به هر کدام از آنها «**صیغه**» گفته می شود.

«حالت های فاعل»

فاعل:

الف) یا «نه گوینده است، نه شنونده» که به آن «**غائب**» می گویند؛ مانند: او، آنها؛

ب) یا «شنونده» است^۱ که به آن «**مخاطب**» می گویند؛ مانند: تو، شما؛

ج) یا «گوینده» است که به آن «**متکلم**» می گویند؛ مانند: من، ما.

۱. مقصود، شنونده ای است که «مورد خطاب» قرار گرفته و روی سخن با اوست.

هرکدام از غائب و مخاطب

الف) یا «مذکر» است؛

ب) یا «مؤنث» است.

هرکدام از مذکر و مؤنث

الف) یا «یکی» است که به آن «مفرد» می‌گویند؛

ب) یا «دوتا» است که به آن «مثنی» می‌گویند؛

ج) یا «بیش از دوتا» است که به آن «جمع» می‌گویند.

متکلم (چه مذکر، چه مؤنث)

الف) یا از «فعل خود» سخن می‌گوید که به آن «متکلم وحده» می‌گویند؛

ب) یا از «فعل خود و دیگران» سخن می‌گوید که به آن «متکلم مع‌الغیر» می‌گویند.

جدول حالات مختلف فاعل در صیغه‌های فعل^۱

جایگاه	جنسیت	تعداد	شماره	معادل فارسی فاعل
غائب	مذکر	مفرد	۱	او/آن (یک مذکر)
		مثنی	۲	آنها (دو مذکر)
		جمع	۳	آنها (مذکرها)
	مؤنث	مفرد	۴	او/آن (یک مؤنث)
		مثنی	۵	آنها (دو مؤنث)
		جمع	۶	آنها (مؤنث‌ها)
مخاطب	مذکر	مفرد	۷	تو (یک مذکر)
		مثنی	۸	شما (دو مذکر)
		جمع	۹	شما (مذکرها)
	مؤنث	مفرد	۱۰	تو (یک مؤنث)
		مثنی	۱۱	شما (دو مؤنث)
		جمع	۱۲	شما (مؤنث‌ها)
متکلم	—	وحده	۱۳	من
		مع الغیر	۱۴	ما

۱. حفظ شماره صیغه‌ها ضروری است.

خلاصه درس

* هر فعلی چهارده صیغه دارد که این صیغه‌ها بر مبنای حالات و اشکال مختلف فاعل به دست آمده‌اند؛ برای نمونه، فعل «مفرد مذکر غائب» فعلی است که فاعل آن، یک نفر مذکر بوده و غائب است.

پرسش و تمرین

- ۱- «صیغه فعل» چیست؟
- ۲- شماره هریک از صیغه‌های زیر را ذکر کنید:
مثنای مذکر غائب - مفرد مذکر مخاطب - جمع مؤنث مخاطب - متکلم مع‌الغیر
- ۳- نام هریک از صیغه‌های زیر را بیان نمایید:

۳-۵-۱۰-۱۳

درس چهارم

ماضی

این درس به:

* چگونگی ساخت صیغه‌های مختلف فعل ماضی

خواهد پرداخت.

در زبان عربی، فعل به سه گونه ماضی، مضارع و امر مشاهده می‌شود.

فعل ماضی فعلی است که بر وقوع کاری یا رخ دادن حالتی در زمان گذشته دلالت دارد. در

این درس به شیوه ساخت چهارده صیغه آن می‌پردازیم.

صیغه اول ماضی ثلاثی مجرد بر یکی از سه وزن **فَعَلَ**، **فَعِلَ**، **فَعَّلَ** است؛ مانند:

بازگشت **رَجَعَ**

دانست **عَلِمَ**

پاک شد **ظَهَرَ**

وضعیت صیغه‌های سه وزن «فَعَلَ، فَعِلَ، فَعُلَ» به این شرح است:

عین الفعل ُ	عین الفعل =	عین الفعل َ	شماره	تعداد	جنسیت	جایگاه
فَعَلَ	فَعِلَ	فَعُلَ	۱	مفرد	مذکر	غائب
فَعَلَا	فَعِلَا	فَعُلَا	۲	مثنی		
فَعَلُوا	فَعِلُوا	فَعُلُوا	۳	جمع		
فَعَلْتُ	فَعِلْتُ	فَعُلْتُ	۴	مفرد	مؤنث	
فَعَلْتَا	فَعِلْتَا	فَعُلْتَا	۵	مثنی		
فَعَلْنَ	فَعِلْنَ	فَعُلْنَ	۶	جمع		
فَعَلْتِ	فَعِلْتِ	فَعُلْتِ	۷	مفرد	مذکر	مخاطب
فَعَلْتُمَا	فَعِلْتُمَا	فَعَلْتُمَا	۸	مثنی		
فَعَلْتُمْ	فَعِلْتُمْ	فَعَلْتُمْ	۹	جمع		
فَعَلْتِ	فَعِلْتِ	فَعَلْتِ	۱۰	مفرد	مؤنث	
فَعَلْتُمَا	فَعِلْتُمَا	فَعَلْتُمَا	۱۱	مثنی		
فَعَلْتُنَّ	فَعِلْتُنَّ	فَعَلْتُنَّ	۱۲	جمع		
فَعَلْتُ	فَعِلْتُ	فَعَلْتُ	۱۳	وحده	—	متکلم
فَعَلْنَا	فَعِلْنَا	فَعَلْنَا	۱۴	مع‌الغیر		

نکات

۱. حرکت عین الفعل در ماضی ثلاثی مجزّد از قانون خاصی تبعیت نمی‌کند؛ یعنی «قیاسی» (قاعده‌مند) نیست؛ بلکه «**سماعی**» است و با مراجعه به کتب لغت مشخص می‌شود که حرکتش فتحه، کسره، یا ضمه است.
۲. صیغه‌های هشتم و یازدهم افعال ماضی، دارای شکل یکسان هستند.
۳. حروفی که بعد از لام الفعل در آخر صیغه‌های دوم تا چهاردهم مشاهده می‌شوند، «**ضمیر**» هستند؛ به جز «**ت**» در صیغه‌های چهارم و پنجم که فقط «**علامت تأنیث**» فاعل است.
۴. به بیان صیغه‌های یک فعل به ترتیب شماره صیغه‌ها، «**صرف کردن فعل**» گفته می‌شود.

۱. در ادبیات عربی، سماعی بودن به معنای آن است که با بررسی موارد مختلف و متعدّد نتوانسته‌ایم «قاعده»‌ای را استخراج کنیم که بر «همه» یا دست کم «غالب» آنها منطبق باشد؛ به عبارت دیگر، سماعی بودن به معنای آن است که ما در تک‌تک این موارد، نیازمند مراجعه به استعمال عرب هستیم. در مقابل سماعی، «قیاسی» قرار دارد.

صرف نمونہ افعال ماضی ثلاثی مجرد

جایگاہ	جنسیت	تعداد	شمارہ	فَعَلْ	فَعِلْ	فَعَلْ
غائب	مذکر	مفرد	۱	رَجَعَ	عَلِمَ	طَهَرَ
		مثنیٰ	۲	رَجَعَا	عَلِمَا	طَهَرَا
		جمع	۳	رَجَعُوا	عَلِمُوا	طَهَرُوا
	مؤنث	مفرد	۴	رَجَعَتْ	عَلِمَتْ	طَهَرَتْ
		مثنیٰ	۵	رَجَعْتَا	عَلِمْتَا	طَهَرْتَا
		جمع	۶	رَجَعْنَ	عَلِمْنَ	طَهَرْنَ
مخاطب	مذکر	مفرد	۷	رَجَعْتَ	عَلِمْتَ	طَهَرْتَ
		مثنیٰ	۸	رَجَعْتُمَا	عَلِمْتُمَا	طَهَرْتُمَا
		جمع	۹	رَجَعْتُمْ	عَلِمْتُمْ	طَهَرْتُمْ
	مؤنث	مفرد	۱۰	رَجَعْتِ	عَلِمْتِ	طَهَرْتِ
		مثنیٰ	۱۱	رَجَعْتُمَا	عَلِمْتُمَا	طَهَرْتُمَا
		جمع	۱۲	رَجَعْتُنَّ	عَلِمْتُنَّ	طَهَرْتُنَّ
متکلم	—	وحده	۱۳	رَجَعْتُ	عَلِمْتُ	طَهَرْتُ
		مع الغیر	۱۴	رَجَعْنَا	عَلِمْنَا	طَهَرْنَا

خلاصه درس

- * فعل ماضی ثلاثی مجرّد دارای سه وزن «فَعَلَ ، فَعِلَ ، فَعَّلَ» است.
- * حرکت عین الفعل ماضی ثلاثی مجرّد، «سماعی» است.
- * علائم آخر فعل ماضی، ضمیر هستند؛ به جز «ت» در صیغه های ۴ و ۵.

پرسش و تمرین

- ۱- چهارده صیغه فعل های «تَرَكَ، رَجِمَ، كَبُرَ» را صرف کنید.
- ۲- نام و شماره صیغه فعل های زیر را بیان کنید.
خَلَقْنَا ، عَجَزْتُ ، خَرَجْتُمَا ، سَمِعَا ، عَبَدْتَنَنْ ، عَظُمْتَ ، حَزِنْنَا
- ۳- در آیات زیر، شماره صیغه، حروف اصلی و وزن کلمات رنگی را بنویسید.
* ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا...﴾^۱
* ﴿يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلِ...﴾^۲
* ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾^۳

۱. احزاب: ۷۲؛ ما امانت (تعهد، تکلیف، ولایت الهی) را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند.

۲. بقره: ۵۴؛ ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید.

۳. بلد: ۱۹؛ و کسانی که آیات ما را انکار کرده اند، افرادی شوم اند.

درس پنجم

مضارع

این درس به:

* چگونگی ساخت صیغه‌های مختلف فعل مضارع

* باب‌های ثلاثی مجرد

خواهد پرداخت.

فعل مضارع فعلی است که بر تحقق کار یا رخ دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت دارد. در این درس به شیوه ساخت چهارده صیغه آن می‌پردازیم.

صیغه اول مضارع ثلاثی مجرد بر یکی از سه وزن است: **يَفْعَلُ** ، **يَفْعِلُ** ، **يَفْعُلُ**؛ مانند:

يَعْلَمُ می‌داند

يَرْجِعُ بر می‌گردد

يُظَهِّرُ پاک می‌شود

جدول صرف فعل مضارع ثلاثی مجرد

جایگاه	جنسیت	تعداد	شماره	عين الفعل َ =	عين الفعل ِ =	عين الفعل ُ =
غائب	مذكر	مفرد	۱	يُفَعِّلُ	يُفَعِّلُ	يُفَعِّلُ
		مثنی	۲	يُفَعِّلَانِ	يُفَعِّلَانِ	يُفَعِّلَانِ
		جمع	۳	يُفَعِّلُونَ	يُفَعِّلُونَ	يُفَعِّلُونَ
	مؤنث	مفرد	۴	تَفَعَّلُ	تَفَعَّلُ	تَفَعَّلُ
		مثنی	۵	تَفَعَّلَانِ	تَفَعَّلَانِ	تَفَعَّلَانِ
		جمع	۶	يُفَعِّلْنَ	يُفَعِّلْنَ	يُفَعِّلْنَ
مخاطب	مذكر	مفرد	۷	تَفَعَّلُ	تَفَعَّلُ	تَفَعَّلُ
		مثنی	۸	تَفَعَّلَانِ	تَفَعَّلَانِ	تَفَعَّلَانِ
		جمع	۹	تَفَعَّلُونَ	تَفَعَّلُونَ	تَفَعَّلُونَ
	مؤنث	مفرد	۱۰	تَفَعَّلِينَ	تَفَعَّلِينَ	تَفَعَّلِينَ
		مثنی	۱۱	تَفَعَّلَانِ	تَفَعَّلَانِ	تَفَعَّلَانِ
		جمع	۱۲	تَفَعَّلْنَ	تَفَعَّلْنَ	تَفَعَّلْنَ
متكلم	—	وحده	۱۳	أَفَعَّلُ	أَفَعَّلُ	أَفَعَّلُ
		مع الغير	۱۴	نَفَعَّلُ	نَفَعَّلُ	نَفَعَّلُ

نکات

۱. حرکت عین الفعل در مضارع ثلاثی مجرد غالباً سماعی و نیازمند مراجعه به کتب لغت است.^۱
۲. صیغه‌های چهارم و هفتم فعل مضارع، هم‌شکل هستند؛ همچنین صیغه‌های پنجم، هشتم و یازدهم مشابه یکدیگر هستند.
۳. به چهار حرف «**ی، ت، ا، ن**» که هنگام ساخت مضارع به ابتدای آن افزوده شده‌اند، «**حروف مضارعه**» و به اختصار حروف «**آتین**» می‌گویند.
۴. در فعل مضارع، حرفی که بلافاصله بعد از لام الفعل قرار می‌گیرد، «**ضمیر**» است؛ بنابراین «**ا**» در چهار صیغه مثنی، «**و**» در دو صیغه جمع مذکر، «**ن**» در دو صیغه جمع مؤنث و «**ی**» در صیغه ۱۰، ضمیر هستند.

۱. چنانچه فعل ماضی بروزن «**فَعَلَّ**» باشد حتماً مضارع آن بروزن «**يَفْعُلُ**» استعمال می‌شود.

صرف نمونه افعال مضارع ثلاثی مجرد

جایگاه	جنسیت	تعداد	شماره	یَعْلَمُ	يَرْجِعُ	يَظْهَرُ
غائب	مذكر	مفرد	۱	يَعْلَمُ	يَرْجِعُ	يَظْهَرُ
		مثنی	۲	يَعْلَمَانِ	يَرْجِعَانِ	يَظْهَرَانِ
		جمع	۳	يَعْلَمُونَ	يَرْجِعُونَ	يَظْهَرُونَ
	مؤنث	مفرد	۴	تَعْلَمُ	تَرْجِعُ	تَظْهَرُ
		مثنی	۵	تَعْلَمَانِ	تَرْجِعَانِ	تَظْهَرَانِ
		جمع	۶	يَعْلَمْنَ	يَرْجِعْنَ	يَظْهَرْنَ
مخاطب	مذكر	مفرد	۷	تَعْلَمُ	تَرْجِعُ	تَظْهَرُ
		مثنی	۸	تَعْلَمَانِ	تَرْجِعَانِ	تَظْهَرَانِ
		جمع	۹	تَعْلَمُونَ	تَرْجِعُونَ	تَظْهَرُونَ
	مؤنث	مفرد	۱۰	تَعْلَمِينَ	تَرْجِعِينَ	تَظْهَرِينَ
		مثنی	۱۱	تَعْلَمَانِ	تَرْجِعَانِ	تَظْهَرَانِ
		جمع	۱۲	تَعْلَمْنَ	تَرْجِعْنَ	تَظْهَرْنَ
متكلم	—	وحده	۱۳	أَعْلَمُ	أَرْجِعُ	أَظْهَرُ
		مع الغیر	۱۴	نَعْلَمُ	نَرْجِعُ	نَظْهَرُ

باب‌های ثلاثی مجرد

همان‌طور که گذشت، حرکت عین‌الفعل در ماضی و مضارع فعل ثلاثی مجرد، ممکن است مفتوح، مکسور یا مضموم باشد. در افعال ثلاثی مجرد، شش نوع ترکیب ماضی-مضارع وجود دارد که به هر یک از آنها «باب» گفته می‌شود. ابواب ثلاثی مجرد عبارتند از:

۱- فَعَلٌ	يَفْعَلُ	مانند:	مَنَعٌ ^۱	يَمْنَعُ
۲- فَعَلٌ	يَفْعِلُ	مانند:	ضَرَبَ	يَضْرِبُ
۳- فَعَلٌ	يَفْعُلُ	مانند:	نَصَرَ	يَنْصُرُ
۴- فَعِلٌ	يَفْعُلُ	مانند:	سَمِعَ	يَسْمَعُ
۵- فَعِلٌ	يَفْعِلُ	مانند:	حَسِبَ ^۲	يَحْسِبُ
۶- فَعَلٌ	يَفْعُلُ	مانند:	كَرَّمَ ^۳	يَكْرِمُ

برای تعیین باب افعال، باید به «لغت‌نامه» مراجعه کرد.

خلاصه درس

- * فعل مضارع ثلاثی مجرد دارای سه وزن است: **يَفْعَلُ**، **يَفْعِلُ**، **يَفْعُلُ**.
- * حرکت عین‌الفعل مضارع ثلاثی مجرد، غالباً سماعی است.
- * حرف متّصل به لام‌الفعل در فعل مضارع، ضمیر است.
- * فعل ثلاثی مجرد، دارای شش باب (ترکیب ماضی-مضارع) است.

۱. مانع شد، باز داشت.

۲. گمان کرد، پنداشت.

۳. کریم شد، شریف شد.

پرسش و تمرین

- ۱- چهارده صیغه فعل‌های «يَسْمَعُ، يَقْسِمُ، يَذْكُرُ» را صرف کنید.
- ۲- شماره صیغه و ضمیر فعل‌های زیر را بیان کنید:
يَذْهَبْنَ، يَغْلَمَانِ، تَجْلِسِينَ، تَصَدُقَانِ
- ۳- ابواب ثلاثی مجرد را نام ببرید.
- ۴- در آیات زیر، شماره صیغه، حروف اصلی و وزن کلمات رنگی را بنویسید:
* ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾^۱
* ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا...﴾^۲
* ﴿وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾^۳

۱. نمل: ۷۳؛ به یقین پروردگار تو نسبت به مردم، دارای فضل (و رحمت) است؛ ولی بیشترشان شکرگزار نیستند.

۲. نحل: ۸۴؛ (به خاطر بیاور) روزی را که از هرامتی گواهی (بر آنان) برمی‌انگیزیم.

۳. الرحمن: ۶؛ و گیاه و درخت برای خدا سجده می‌کنند.

درس ششم

امر

این درس به:

* چگونگی ساخت چهارده صیغه فعل امر

خواهد پرداخت.

فعل امر بر «طلب» وقوع چیزی دلالت دارد؛ یعنی از فاعل «خواسته می‌شود» که کاری را انجام دهد یا حالتی را پدید آورد؛ مانند:

يَا رِبِّي اسْكُنْ

یاری نما

يَا رِبِّي اسْكُنْ

ناراحت شو

اِحْزَنْ

چگونگی ساخت فعل امر

فعل امر از مضارع ساخته می‌شود؛ بدین شیوه که:

۱- در صیغه‌های غائب و متکلم:

الف) یک لام مکسور به ابتدای آنها اضافه می‌کنیم.

ب) از انتهای فعل، ضمه یا نون را حذف می‌کنیم؛ البته در صیغه ۶، نون حذف نمی‌شود.^۱

يَفْعَلُ ← لِيَفْعَلُ يَفْعَلَانِ ← لِيَفْعَلَا يَفْعَلْنَ ← لِيَفْعَلْنَ

صرف امر غائب و متکلم افعال ثلاثی مجرد به صورت ذیل است:

جایگاه	جنسیت	تعداد	شماره	عين الفعل -	عين الفعل =	عين الفعل ء
غائب	مذکر	مفرد	۱	لِيَفْعَلُ	لِيَفْعَلُ	لِيَفْعَلُ
		مثنی	۲	لِيَفْعَلَا	لِيَفْعَلَا	لِيَفْعَلَا
		جمع	۳	لِيَفْعَلُوا	لِيَفْعَلُوا	لِيَفْعَلُوا
	مؤنث	مفرد	۴	لِتَفْعَلْ	لِتَفْعَلْ	لِتَفْعَلْ
		مثنی	۵	لِتَفْعَلَا	لِتَفْعَلَا	لِتَفْعَلَا
		جمع	۶	لِيَفْعَلْنَ	لِيَفْعَلْنَ	لِيَفْعَلْنَ
متکلم		وحده	۱۳	لِأَفْعَلْ	لِأَفْعَلْ	لِأَفْعَلْ
		مع الغیر	۱۴	لِنَفْعَلْ	لِنَفْعَلْ	لِنَفْعَلْ

۱. زیرا همان‌طور که گذشت، نون در این صیغه، ضمیر و نشانگر فاعل است.

۲- در صیغه‌های مخاطب:

الف) حرف مضارعه را از ابتدا و ضمه یا نون را از آخر صیغه‌ها حذف می‌کنیم. البته در صیغه ۱۲، نون ضمیر حذف نمی‌شود:

تَفَعَّلُ ← فَعَلٌ تَفَعَّلَانِ ← فَعَلَا تَفَعَّلْنَ ← فَعَلْنَ

ب) از آنجا که در زبان عربی، هیچ کلمه‌ای با حرف ساکن آغاز نمی‌شود، قبل از فاء‌الفعل ساکن، یک همزه اضافه می‌کنیم.^۱

فَعَلٌ ← اَفْعَلٌ

ج) اگر حرکت حرف بعد از حرف ساکن، ضمه باشد، به این همزه، ضمه می‌دهیم و اگر حرکت آن، فتحه یا کسره باشد، به این همزه، کسره می‌دهیم:

تَفَعَّلُ ← اَفْعَلٌ تَفَعَّلُوا ← اِفْعَلُوا تَفَعَّلْنَ ← اِفْعَلْنَ

صرف امر مخاطب افعال ثلاثی مجرّد به صورت ذیل است:

جایگاه	جنسیت	تعداد	شماره	عين الفعل -	عين الفعل =	عين الفعل ُ
مخاطب	مذكر	مفرد	۷	اَفْعَلٌ	اِفْعَلٌ	اُفْعَلٌ
		مثنی	۸	اَفْعَلَا	اِفْعَلَا	اُفْعَلَا
		جمع	۹	اَفْعَلُوا	اِفْعَلُوا	اُفْعَلُوا
مخاطب	مؤنث	مفرد	۱۰	اَفْعَلِي	اِفْعَلِي	اُفْعَلِي
		مثنی	۱۱	اَفْعَلَا	اِفْعَلَا	اُفْعَلَا
		جمع	۱۲	اَفْعَلْنَ	اِفْعَلْنَ	اُفْعَلْنَ

۱. در برخی افعال ثلاثی مزید، حرف بعد از حرف مضارعه، ساکن نیست؛ بنابراین، همزه در فعل امر آن افزوده نمی‌شود. با این افعال در درس‌های آینده آشنا می‌شویم. برخی افعال ثلاثی مجرّد نیز همین‌گونه هستند. با آنها نیز در آینده آشنا خواهیم شد.

صرف نمونه افعال امر ثلاثی مجرد

جایگاه	جنسیت	تعداد	شماره	یَعْلَمُ	يَرْجِعُ	يُطَهِّرُ
غائب	مذكر	مفرد	۱	يَعْلَمُ	يَرْجِعُ	يُطَهِّرُ
		مثنی	۲	يَعْلَمَا	يَرْجِعَا	يُطَهِّرَا
		جمع	۳	يَعْلَمُوا	يَرْجِعُوا	يُطَهِّرُوا
	مؤنث	مفرد	۴	تَعْلَمُ	تَرْجِعُ	تُطَهِّرُ
		مثنی	۵	تَعْلَمَا	تَرْجِعَا	تُطَهِّرَا
		جمع	۶	تَعْلَمْنَ	تَرْجِعْنَ	تُطَهِّرْنَ
مخاطب	مذكر	مفرد	۷	اعْلَمْ	ارْجِعْ	اطْهَرْ
		مثنی	۸	اعْلَمَا	ارْجِعَا	اطْهَرَا
		جمع	۹	اعْلَمُوا	ارْجِعُوا	اطْهَرُوا
	مؤنث	مفرد	۱۰	اعْلَمِي	ارْجِعِي	اطْهَرِي
		مثنی	۱۱	اعْلَمَا	ارْجِعَا	اطْهَرَا
		جمع	۱۲	اعْلَمْنَ	ارْجِعْنَ	اطْهَرْنَ
متكلم	—	وحده	۱۳	لَاعْلَمْ	لَارْجِعْ	لَاطْهَرْ
		مع الغير	۱۴	لِنَعْلَمْ	لِنَرْجِعْ	لِنُطَهِّرْ

خلاصه درس

- * فعل امر بر طلب و درخواست انجام کار یا داشتن حالتی دلالت دارد.
- * امر هشت صیغه غائب و متکلم، با «لام» ساخته می‌شود.
- * امر شش صیغه مخاطب، با حذف حرف مضارعه ساخته می‌شود.
- * از پایان تمام صیغه‌ها، ضمه یا نون حذف می‌شود؛ مگر نون ضمیر در صیغه‌های ۶ و ۱۲.

پرسش و تمرین

۱- چهارده صیغه امر فعل‌های زیر را صرف کنید:

يَذْهَبُ، يَضْبُرُ، يَذْكُرُ

۲- شماره صیغه فعل‌های زیر را بنویسید:

اقْرَبَا، لِيَعْلَمَنَّ، لَتَكْتُمًا، اَسْجُدْ، لِالْجَلِيسِ، اِضْبِرِي

۳- در آیات زیر، شماره صیغه، حروف اصلی و وزن کلمات رنگی را بنویسید.

* ﴿... اَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱

* ﴿اِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةِ ...﴾^۲

* ﴿... وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓى اَلَّا تَعْدِلُوْا اِعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى ...﴾^۳

۱. بقره: ۲۱؛ پروردگارتان را که شما و پیشینیان را آفریده، بپرستید؛ باشد که تقوا پیشه کنید.

۲. مؤمنون: ۹۶؛ بدی را به بهترین راه و روش دفع کن.

۳. مائده: ۸؛ مبادا دشمنی با گروهی، شما را به گناه و ترک عدالت وادارد! عدالت ورزید که آن، به تقوا نزدیک‌تر است.

۴- کلمات رنگی روایات زیر، در جای مناسب خود وارد شده‌اند، صیغه‌های دیگر هر فعل را در جدول کامل کنید.

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا رَغِبْتَ فِي الْمَكَارِمِ فَاجْتَنِبِ الْمَحَارِمَ.^۱
 الإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلَّةُ الرَّحِمِ وَحُسْنُ الْجَوَارِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ.^۲
 بَقِيَّةُ اللَّهِ ﷻ فِي رُوحِهِ الشَّرِيفِ: ... أَمَا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۳

صیغه	ماضی	وزن	مضارع	وزن	امر	وزن
۱						
۲			يَعْمُرَانِ		يَفْعَلَانِ	
۳						
۴						
۵						
۶						
۷	رَغِبْتَ	فَعِلْتَ				
۸						
۹				ارْجِعُوا	افْعَلُوا	
۱۰						
۱۱						
۱۲						
۱۳						
۱۴						

۱. غررالحکم و درر الکلم؛ ص ۳۱۷؛ اگر کارها و صفات نیک را خواستاری، از امور حرام بپرهیز.
۲. الکافی؛ ج ۳، ص ۳۹۲؛ صلہ رحم (نیکی به خویشاوندان) و روابط خوب همسایگی موجب آبادانی شهرها و طول عمر می شوند.
۳. وسائل الشیعه؛ ج ۲۷، ص ۱۴۰؛ در پیشامد و رخدادها به راویان حدیث ما (متخصصان دین) مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خداوندم بر آنها.

درس هفتم

فعل ثلاثی مزید

این درس به:

* انواع فعل ثلاثی مزید

* معرفی مهم‌ترین باب‌های ثلاثی مزید

* تغییر معنایی در ثلاثی مزید

خواهد پرداخت.

آنچه تاکنون گذشت، مربوط به افعال ثلاثی مجرد بود؛ یعنی فعلی که در صیغه اول ماضی آن، فقط سه حرف اصلی وجود دارد؛ اما اکنون به افعالی پرداخته می‌شود که در صیغه اول ماضی آنها، علاوه بر سه حرف اصلی، یک یا چند حرف زائد به چشم می‌خورد که «افعال ثلاثی مزید» نامیده می‌شوند.

انواع فعل ثلاثی مزید

افعال ثلاثی مزید به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

الف) افعالی که ماضی آنها دارای یک حرف زائد است (۳+۱)؛ مانند:

أَضْحَكَ که «أ» در آن زائد است؛

ب) افعالی که ماضی آنها دارای دو حرف زائد است (۳+۲)؛ مانند:

تَضَارَبَ که «ت، ا» در آن زائد هستند؛

ج) افعالی که ماضی آنها دارای سه حرف زائد است (۳+۳)؛ مانند:

إِسْتَعْفَرَ که «ا، س، ت» در آن زائد هستند.

باب‌های ثلاثی مزید

گذشت که به هر یک از گونه‌های «ماضی- مضارع» در افعال ثلاثی مجرد، «باب» می‌گویند. در افعال ثلاثی مزید نیز گونه‌هایی متعدّد از «ماضی- مضارع» می‌بینیم که به آنها «ابواب ثلاثی مزید» گفته می‌شود.

البته وزن ماضی و مضارع هر باب، اختصاص به همان باب دارد؛ بنابراین برخلاف ابواب ثلاثی مجرد، نمی‌توان دو باب ثلاثی مزید را یافت که وزن ماضی یا مضارع آنها یکسان باشد. از سوی دیگر، مصدر افعال هر باب ثلاثی مزید - برخلاف ابواب ثلاثی مجرد - قیاسی است و وزنی مشخص دارد؛ از این رو، در نام‌گذاری ابواب ثلاثی مزید، به جای بیان «ماضی- مضارع» آن، وزن مصدر را برای اشاره به آن باب به کار می‌برند.

ثلاثی مزید دارای ابواب متعددی است که مهم‌ترین آنها، از این قرار است:

نام باب	وزن ماضی	وزن مضارع	وزن مصدر	حروف زائد ماضی
إِفْعَال	أَفْعَلْ	يُفْعِلُ	إِفْعَالٌ	أ
تَفْعِيل	فَعَّلَ	يُفْعِلُ	تَفْعِيلٌ	تکرار عین الفعل
مُفَاعَلَةٌ	فَاعَلَّ	يُفَاعِلُ	مُفَاعَلَةٌ	ا
تَفَاعُلٌ	تَفَاعَلَّ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعُلٌ	ت، ا
إِفْتِعَالٌ	إِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	إِفْتِعَالٌ	ا، ت
إِنْفِعَالٌ	إِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	إِنْفِعَالٌ	ا، ن
تَفَعُّلٌ	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّلٌ	ت، تکرار عین الفعل
إِسْتِفْعَالٌ	إِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتِفْعَالٌ	ا، س، ت

تغییر معنایی در ثلاثی مزید

معنای افعال ستون سمت راست را با افعال ستون سمت چپ مقایسه کنید.

ضَحِكَ (خندید) ← أَضْحَكَ (خندانند)

ضَرَبُوا (زدند) ← تَضَارَبُوا (یکدیگر را زدند)

عَفَرَ (آمرزید) ← اِسْتَعْفَرَ (طلب آمرزش کرد)

ثلاثی مزید، اغلب باعث ایجاد «تغییر معنایی» در ثلاثی مجرد می‌شود. در کتاب بعدی،

با تغییرات معنایی هر باب آشنا خواهید شد.

خلاصه درس

- * ابواب ثلاثی مزید، در صیغه اوّل ماضی خود، حداقل یک و حداکثر سه حرف زائد دارند.
- * هر «باب ثلاثی مزید»، ماضی و مضارع مختصّ به خود دارد و هر باب، به نام مصدر آن، نامیده می‌شود.
- * ابواب ثلاثی مزید، اغلب در کلمات مجرّد، «تغییر معنوی» ایجاد می‌کنند.

پرسش و تمرین

- ۱- ابواب ثلاثی مزید را نام ببرید و وزن ماضی و مضارع هر باب را ذکر کنید.
- ۲- «تغییر معنوی» در ابواب ثلاثی مزید را توضیح دهید.
- ۳- حروف اصلی زیر را به باب مورد نظر برده، نتیجه را بنویسید.

حروف اصلی	باب	ماضی	مضارع	مصدر
ب ص ر	اِفعال			
ق س م	تفعیل			
ز ح م	مفاعلة			
م ر ض	تفاعل			
س ن د	افتعال			
ش ر ح	انفعال			
ع ل م	تفعل			
ک ش ف	استفعال			

درس هشتم

باب‌های افعال و تفعیل

این درس به:

* وزن باب‌های افعال و تفعیل و چگونگی صرف فعل در این دو باب

* مشهورترین معنای باب افعال

خواهد پرداخت.

باب افعال

پرکاربردترین باب ثلاثی مزید در قرآن کریم، باب افعال است. در ابتدای ماضی این باب، همزه

زائد وجود دارد.

ماضی	مضارع	مصدر
أَفْعَلُ	يُفْعَلُ	إِفْعَالٌ
أَحْسَنُ ^۱	يُحْسِنُ	إِحْسَانٌ
أَعْلَمُ	يُعْلِمُ	إِعْلَامٌ

ح س ن ←

ع ل م ←

۱. کار نیکو و خوب انجام داد.

در صیغه های امر مخاطب این باب، پس از حذف حرف مضارعه، یک همزه مفتوح بر سر فعل می آید؛^۱ مانند:

تُعَلِّمُ ← عِلِّمَ ← أَعْلِمُ

نمونه ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب افعال

جایگاه	جنسیت	تعداد	شماره	ماضی	مضارع	امر
غائب	مذکر	مفرد	۱	أَعْلَمَ	يُعَلِّمُ	لِيُعَلِّمِ
		مثنی	۲	أَعْلَمَا	يُعَلِّمَانِ	لِيُعَلِّمَا
		جمع	۳	أَعْلَمُوا	يُعَلِّمُونَ	لِيُعَلِّمُوا
	مؤنث	مفرد	۴	أَعْلَمَتْ	تُعَلِّمُ	لِتُعَلِّمِ
		مثنی	۵	أَعْلَمَتَا	تُعَلِّمَانِ	لِتُعَلِّمَا
		جمع	۶	أَعْلَمْنَ	يُعَلِّمْنَ	لِيُعَلِّمْنَ
مخاطب	مذکر	مفرد	۷	أَعْلَمْتَ	تُعَلِّمُ	أَعْلِمُ
		مثنی	۸	أَعْلَمْتُمَا	تُعَلِّمَانِ	أَعْلِمَا
		جمع	۹	أَعْلَمْتُمْ	تُعَلِّمُونَ	أَعْلِمُوا
	مؤنث	مفرد	۱۰	أَعْلَمْتِ	تُعَلِّمِينَ	أَعْلِمِي
		مثنی	۱۱	أَعْلَمْتُمَا	تُعَلِّمَانِ	أَعْلِمَا
		جمع	۱۲	أَعْلَمْتُنَّ	تُعَلِّمْنَ	أَعْلِمْنَ
متكلم	—	وحده	۱۳	أَعْلَمْتُ	أَعْلِمُ	لَأَعْلِمَنَّ
		مع الغير	۱۴	أَعْلَمْنَا	نُعَلِّمُ	لِنُعَلِّمَنَّ

۱. همزه امر مخاطب در باب افعال، مفتوح است (نه مکسور یا مضموم). همزه امر در باب افعال، ویژگی های دیگری نیز دارد که در کتاب بعدی با آن آشنا خواهید شد.

مشهورترین معنای باب افعال^۱

در یک تقسیم‌بندی، فعل‌ها یا «لازم» هستند یا «متعدّی».

فعل لازم فعلی است که به مفعول نیاز ندارد؛ مانند: **جَلَسَ** (نشست).

فعل متعدّی فعلی است که علاوه بر فاعل، به مفعول نیز نیاز دارد؛ مانند: **نَصَرَ عَلِيٌّ مُحَمَّدًا** (علی، محمد را یاری کرد).

مشهورترین معنای باب افعال «تعدّیه» است؛ یعنی متعدّی کردن فعل ثلاثی مجرد.

جَلَسَ الطِّفْلُ (طفل نشست) ← **أَجْلَسَ الوَالِدُ الطِّفْلَ** (پدر، طفل را نشاند).

ضَحِكَ سَعِيدٌ (سعید خندید) ← **أَضْحَكَ عَلِيٌّ سَعِيدًا** (علی سعید را خندانند)

باب تفعیل

دومین باب پرکاربرد ثلاثی مزید در قرآن کریم، باب تفعیل است. حرف زائد در ماضی این باب، تکرار عین الفعل است.

ماضی	مضارع	مصدر
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	تَفْعِيلٌ
فَرَّحَ^۲	يُفَرِّحُ	تَفْرِيحٌ
قَبَّحَ^۳	يُقَبِّحُ	تَقْبِيحٌ

← ف ر ح

← ق ب ح

۱. باب‌های ثلاثی مزید در معانی متعدّدی به کار می‌روند که در کتاب حاضر به مشهورترین معنای باب افعال اشاره شده است. سایر معانی باب افعال و ابواب دیگر، در کتاب بعدی خواهد آمد.

۲. شاد و خشنود کرد.

۳. تقبیح کرد، زشت شمرد.

در صیغه‌های امر مخاطب این باب، پس از حذف حرف مضارعه، اولین حرف باقیمانده (فاء الفعل) ساکن نیست. بنابراین فعل امر را بدون افزودن همزه می‌سازیم:

تُفَرِّحُ ← فَرِّحْ

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب تفعیل

جایگاه	جنسیت	عدد	شماره	ماضی	مضارع	امر
غائب	مذكر	مفرد	۱	فَرَّحَ	يُفَرِّحُ	لِيُفَرِّحْ
		مثنی	۲	فَرَّحَا	يُفَرِّحَانِ	لِيُفَرِّحَا
		جمع	۳	فَرَّحُوا	يُفَرِّحُونَ	لِيُفَرِّحُوا
	مؤنث	مفرد	۴	فَرَّحَتْ	تُفَرِّحُ	لِتُفَرِّحْ
		مثنی	۵	فَرَّحَتَا	تُفَرِّحَانِ	لِتُفَرِّحَا
		جمع	۶	فَرَّحْنَ	يُفَرِّحْنَ	لِيُفَرِّحْنَ
مخاطب	مذكر	مفرد	۷	فَرَّحْتَ	تُفَرِّحُ	فَرِّحْ
		مثنی	۸	فَرَّحْتُمَا	تُفَرِّحَانِ	فَرِّحَا
		جمع	۹	فَرَّحْتُمْ	تُفَرِّحُونَ	فَرِّحُوا
	مؤنث	مفرد	۱۰	فَرَّحْتِ	تُفَرِّحِينَ	فَرِّجِي
		مثنی	۱۱	فَرَّحْتُمَا	تُفَرِّحَانِ	فَرِّحَا
		جمع	۱۲	فَرَّحْتُنَّ	تُفَرِّحْنَ	فَرِّحْنَ
متكلم	—	وحده	۱۳	فَرَّحْتُ	أَفَرِّحُ	لِأَفَرِّحْ
		مع الغیر	۱۴	فَرَّحْنَا	نُفَرِّحُ	لِنُفَرِّحْ

نکته

همانگونه که مشاهده شد، علیرغم تفاوت وزن افعال در هر باب، روش صرف کردن ماضی، مضارع و امر، تفاوتی با افعال ثلاثی مجرد ندارد. در سایر ابواب ثلاثی مزید نیز به همین منوال، صرف افعال صورت می‌پذیرد.^۱

خلاصه درس

- * امر مخاطب باب افعال، با همزه مفتوح آغاز می‌شود؛ اما امر مخاطب باب تفعیل، بدون افزودن همزه ساخته می‌شود.
- * مشهورترین معنا در باب افعال «تعديه» است.

۱. در کتاب بعدی با سایر ابواب ثلاثی مزید و نیز افعال رباعی، آشنا خواهید شد.

پرسش و تمرین

- ۱- معنای مشهور باب افعال را ذکر کنید و توضیح دهید.
- ۲- حروف اصلی زیر را به باب افعال برده، چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر آن را صرف کنید.

خ ر ج

- ۳- حروف اصلی زیر را به باب تفعیل برده، چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر آن را صرف کنید.

ن ز ل

- ۴- در آیات و روایت زیر، باب، نوع فعل (ماضی - مضارع - امر) و شماره صیغه کلمات رنگی را مشخص کنید و وزن هریک را بنویسید.
- * اِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ **اسْلِمْ** قَالَ **اسْلَمْتُ** لِرَبِّ الْعَالَمِينَ^۱.
- * **الَّذِينَ يُنْفِقُونَ** اَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...^۲.
- * **الْاِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ** : اِذَا ارَادَ اللهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ^۳.

۱ . بقره: ۱۳۱؛ (و یادآورید) هنگامی را که پروردگارش به او فرمود: اسلام بیاور (و در برابر حق، تسلیم باش . او فرمان پروردگار را از جان و دل پذیرفت؛ و) گفت: «در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم.»

۲ . بقره: ۲۷۴؛ کسانی که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است.

۳ . الامالی (المفید)؛ ص ۱۵۸؛ هنگامی که خداوند، خیربنده‌ای را خواسته باشد، او را فقیه و عالم در دین می‌کند.

درس نهم

معلوم و مجهول

این درس به:

* تعریف فعل معلوم و مجهول

* شیوه ساخت افعال ماضی و مضارع مجهول

خواهد پرداخت.

معلوم و مجهول

در جملات زیر، ستون‌های سمت راست را با سمت چپ مقایسه کنید:

خَلَقَ اللهُ الْإِنْسَانَ (خداوند انسان را آفرید) ← خُلِقَ الْإِنْسَانُ (انسان، آفریده شد)

سَرَقَ سَارِقٌ الْمَالَ (سارقی مال را دزدید) ← سُرِقَ الْمَالُ (مال دزدیده شد)

قَتَلَ ابْنُ مُلْجَمٍ عَلِيًّا (ابن ملجم، علی عَلِيًّا را کشت) ← قُتِلَ عَلِيٌّ (علی عَلِيًّا کشته شد)

در جملات سمت راست، انجام‌دهنده کار که همان فاعل است، در کلام ذکر شده که به ترتیب «الله»،

«سارق» و «ابن ملجم» است؛ به فعلی که فاعل آن در کلام ذکر شده است، فعل «معلوم» می‌گویند.

در جملات سمت چپ، فاعل فعل به جهت عواملی همچون «معلوم بودن فاعل»، «نامعلوم بودن آن» و «تحقیر فاعل» ذکر نشده است. به چنین افعالی که فاعل آنها در کلام ذکر نشده است، فعل «مجهول» می‌گویند.

در فعل مجهول، علاوه بر تغییر حرکات فعل - که خواهد آمد - فاعل حذف می‌شود و مفعول به جای فاعل می‌نشیند که به آن «نائب فاعل» می‌گویند.

خَلَقَ اللهُ الْإِنْسَانَ ← خَلِقَ الْإِنْسَانَ

فعل معلوم فاعل مفعول فعل مجهول نائب فاعل

ماضی مجهول

ماضی مجهول، از ماضی معلوم، ساخته می‌شود. برای ساختن آن، حرف ماقبل آخر را در صیغه اول ماضی معلوم، مکسور و تمام حروف متحرک قبل از آن را مضموم می‌کنیم (و حروف ساکن را به همان حال باقی می‌گذاریم). بنابراین، وزن صیغه اول ماضی مجهول در ثلاثی مجرد، **فَعِلَ** است.

نَصَرَ (یاری کرد) ← نَصِرَ (یاری شد)
 اسْتَنْقَذَ (نجات داد) ← اسْتَنْقَذَ (نجات داده شد)

مضارع مجهول

مضارع مجهول از مضارع معلوم ساخته می‌شود. برای ساختن آن، حرف ماقبل آخر را در صیغه اول مضارع معلوم، مفتوح و حرف مضارعه را مضموم می‌کنیم (و حروف ساکن را به همان حال باقی می‌گذاریم). بنابراین، صیغه اول فعل مضارع مجهول در ثلاثی مجرد، برون **يُفَعَلُ** است.

يُنَصِرُ (یاری می‌کند) ← يُنَصِرُ (یاری می‌شود)
 يَسْتَنْقِذُ (نجات می‌دهد) ← يَسْتَنْقِذُ (نجات داده می‌شود)

نمونه‌ای از صرف ماضی و مضارع مجهول در ثلاثی مجرد^۱

شماره	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول
۱	نَصَرَ	نُصِرَ	يُنْصِرُ	يُنْصَرُ
۲	نَصَرَا	نُصِرَا	يُنْصِرَانِ	يُنْصَرَانِ
۳	نَصَرُوا	نُصِرُوا	يُنْصِرُونَ	يُنْصَرُونَ
۴	نَصَرْتُ	نُصِرْتُ	تُنْصِرُ	تُنْصَرُ
۵	نَصَرْتَا	نُصِرْتَا	تُنْصِرَانِ	تُنْصَرَانِ
۶	نَصَرْنَا	نُصِرْنَا	يُنْصِرُنَا	يُنْصَرُنَا
۷	نَصَرْتَ	نُصِرْتَ	تُنْصِرُ	تُنْصَرُ
۸	نَصَرْتُمَا	نُصِرْتُمَا	تُنْصِرَانِ	تُنْصَرَانِ
۹	نَصَرْتُمْ	نُصِرْتُمْ	تُنْصِرُونَ	تُنْصَرُونَ
۱۰	نَصَرْتِ	نُصِرْتِ	تُنْصِرِينَ	تُنْصَرِينَ
۱۱	نَصَرْتُمَا	نُصِرْتُمَا	تُنْصِرَانِ	تُنْصَرَانِ
۱۲	نَصَرْتُنَّ	نُصِرْتُنَّ	تُنْصِرْنَ	تُنْصَرْنَ
۱۳	نَصَرْتُ	نُصِرْتُ	أَنْصِرُ	أَنْصَرُ
۱۴	نَصَرْنَا	نُصِرْنَا	نَنْصِرُ	نَنْصَرُ

۱. شیوه مجهول کردن فعل «امر» در کتاب بعدی خواهد آمد. همچنین در آن کتاب با نمونه صرف افعال مجهول در «غیر ثلاثی مجرد» آشنا خواهید شد.

خلاصه درس

- * فعل معلوم، فعلی است که دارای فاعل است و فعل مجهول، فعلی است که فاعل آن ذکر نشده و نائب فاعل (که قبلاً مفعول بوده) به جای آن نشسته است.
- * فعل مجهول، از فعل معلوم ساخته می‌شود؛ برای ساخت ماضی مجهول، حرف ماقبل آخر در صیغه اول، مکسور و حروف متحرک قبلی، مضموم می‌شود. برای ساخت مضارع مجهول، حرف ماقبل آخر در صیغه اول، مفتوح و حرف مضارعه، مضموم می‌شود.

پرسش و تمرین

- ۱- فعل معلوم و فعل مجهول چیست؟
- ۲- چهارده صیغه ماضی و مضارع مجهول «قَتَلَ» را صرف کنید.
- ۳- در آیات و روایات زیر، نوع فعل (ماضی، مضارع، امر)، معلوم یا مجهول بودن و شماره صیغه را در کلمات رنگی مشخص کنید:
 - * ﴿أَتَتْرُكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ﴾^۱.
 - * ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾^۲.
 - * رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: خَيْرَكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ.^۳
 - * أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: لَا يَسْتَحْيِيَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ.^۴

۱. شعراء: ۱۴۶؛ آیا (شما فکرمی کنید) همیشه در نهایت امنیت در نعمت‌هایی که اینجاست رها می‌شوید و می‌مانید؟!

۲. غاشیه: ۱۷؛ آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟

۳. مشكاة الانوار؛ ص ۱۸۰؛ بهترین شما، خوش اخلاق‌ترین شما هستند؛ آنان که هم انس می‌گیرند و هم با آنان انس گرفته می‌شود.

۴. نهج البلاغه (صبحی صالح)؛ حکمت ۸۲؛ آن‌گاه که کسی از شما درباره چیزی که نمی‌داند، مورد سؤال واقع شود، مبدا خجالت کشد که بگوید نمی‌دانم.

مبحث اسم

دفتر تدوین متن‌های علمی
مکتب‌های علمی
چشم‌انداز علمی

درس دهم

مذکر و مؤنث

این درس به:

* انواع هر یک از مذکر و مؤنث

* علائم تأنیث

خواهد پرداخت.

اسم از لحاظ جنسیت یا «مذکر» است یا «مؤنث».

مذکر

مذکر یا حقیقی است یا مجازی.

مذکر حقیقی (واقعی) اسمی است که بر جنس مذکر از انسان یا حیوان دلالت می‌کند؛ مانند:

رَجُلٌ، جَمَلٌ^۱.

مذکر مجازی (فرضی) اسمی است که حقیقتاً مذکر نیست؛ بلکه عرب آن را مذکر «فرض» کرده و

در کلام خود، قواعد و ضوابط مربوط به اسم‌های مذکر را درباره آن به کار برده است. مانند: قَلَمٌ.

۱. شتر نر.

مؤنث

مؤنث نیز یا **حقیقی** است یا **مجازی**.

مؤنث حقیقی (واقعی) اسمی است که بر جنس مؤنث از انسان یا حیوان دلالت می‌کند؛ مانند:

اِمْرَأَة، نَاقَة.^۱

مؤنث مجازی (فرضی) اسمی است که حقیقتاً مؤنث نیست؛ بلکه عرب آن را مؤنث «فرض» کرده و در کلام خود، ضوابط و قواعد مربوط به اسم‌های مؤنث را درباره آن به کار برده است؛ مانند: **شَمْس، شَجَرَة**.

در پایان بسیاری از اسم‌های مؤنث، یکی از علائم سه‌گانه تأنیث، یعنی «**ة، اء، ی**» وجود

دارد؛ مانند: **فاطمة، زهراء، کبری، شجرة، صحراء، شوری**.^۲

اگر در اسم مؤنث، هیچ‌یک از علائم تأنیث وجود نداشته باشد، **مؤنث معنوی** نامیده می‌شود؛ خواه حقیقی باشد، مانند: **زینب** و خواه مجازی، مانند: **شمس**.

نکته

راه تشخیص مذکر یا مؤنث مجازی، مراجعه به استعمالات عرب است؛ مانند:

﴿هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ﴾^۳ که در این آیه، اسم اشاره مؤنث (هذه)، صفت مؤنث

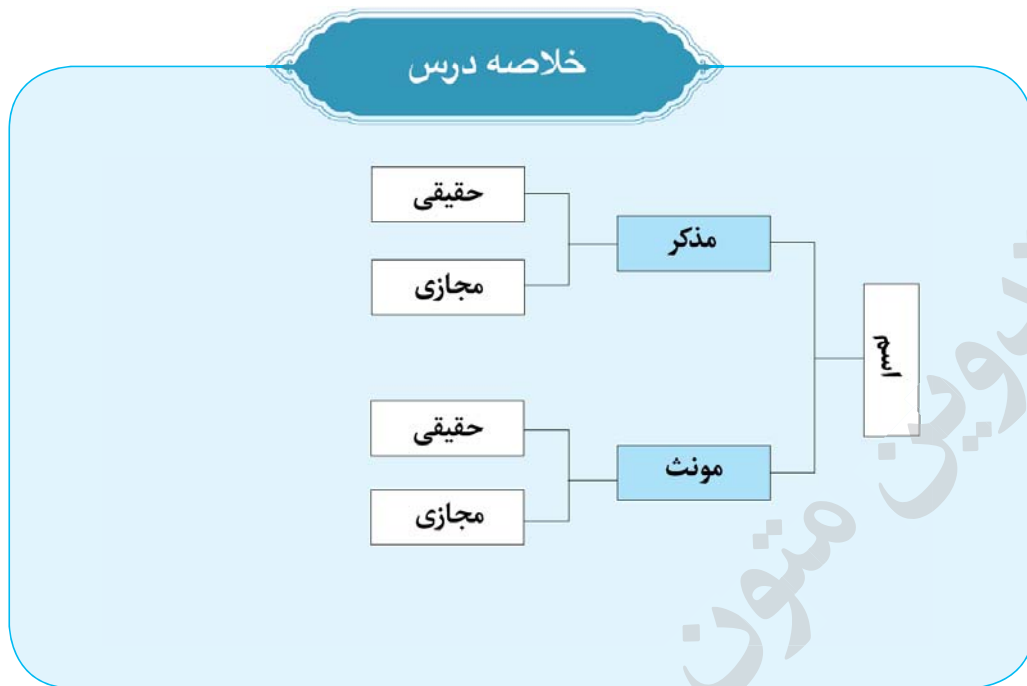
(الَّتِي) و ضمیر مؤنث (ها) نشان‌دهنده آن هستند که «جهنم» مؤنث مجازی است، نه مذکر مجازی.

۱. شتر ماده.

۲. مشورت.

۳. الرحمن: ۴۳؛ این همان جهنم است که گنهکاران، آن را دروغ می‌پنداشتند.

خلاصه درس



پرسش و تمرین

- ۱- علائم تأنیث چیست؟
- ۲- منظور از مؤنث معنوی چیست؟
- ۳- در اسم‌های مؤنث زیر، اسم‌های مؤنث معنوی را جدا کنید و در اسم‌های باقیمانده، علامت تأنیث را در هر اسم مشخص کنید:
 کربلاء، مؤمنه، نار، بشری، ام، کریمه، ارض

درس یازدهم

مثنی، جمع، منسوب، مُصَغَّر

این درس به:

* چگونگی مثنی کردن و جمع بستن مفرد

* معرفی منسوب و مصغّر

خواهد پرداخت.

مفرد، مثنی، جمع

اسم از لحاظ تعداد، یا مفرد است یا مثنی یا جمع.

مفرد: مانند: رَجُلٌ، مُسْلِمَةٌ، قَلَمٌ، بُبُلٌ

مثنی: با اضافه کردن «انِ» یا «ئینِ» به انتهای مفرد ساخته می شود.

بُبُلَانِ	قَلَمَانِ	مُسْلِمَاتَانِ	رَجُلَانِ	مفرد + انِ	مثنی
بُبُلَيْنِ	قَلَمَيْنِ	مُسْلِمَتَيْنِ	رَجُلَيْنِ	مفرد + ئینِ	

جمع: به دو شکل «سالم» و «مُکَسَّر» دیده می شود.

جمع سالم

جمع سالم، جمعی است که شکل مفرد آن هنگام جمع بستن، «سالم» می ماند و دچار تغییر نمی شود. این جمع به دو نوع «جمع سالم مذکر» و «جمع سالم مؤنث» است:

۱- جمع سالم مذکر: با اضافه کردن «وَنَ» یا «وِنَ» به انتهای اسم مذکر ساخته می شود.

جمع سالم	مفرد مذکر + وَنَ	مُسْلِمُونَ
مذکر	مفرد مذکر + وِنَ	مُسْلِمِينَ

۲- جمع سالم مؤنث: با اضافه کردن «ات» به انتهای اسم مؤنث ساخته می شود. اگر مفرد دارای «ة» (تاء تانیث) باشد، هنگام اضافه کردن «ات» به آن، «ة» حذف می شود.

جمع سالم مؤنث	مفرد مؤنث + ات	مُسْلِمَات
---------------	----------------	------------

جمع مکسر

جمع مکسر، جمعی است که شکل مفرد آن هنگام جمع بستن، دچار تغییر شده و اصطلاحاً «شکسته» می شود. این شکسته شدن معمولاً با:

- اضافه کردن حرف یا حروفی به مفرد؛ مانند: رَجُلٌ ← رِجَالٌ

- یا کاستن حرف یا حروفی از مفرد؛ مانند: كِتَابٌ ← كُتُبٌ

صورت می گیرد.

جمع مکسر دارای اوزان متعددی است و غالباً برای تعیین جمع مکسر یک اسم، نیازمند مراجعه به کتاب لغت هستیم.

برخی از اوزان جمع مکسر عبارت است از:

کِتَاب	جمع	کُتُب	مانند	فُعُل
عِلْم	جمع	عُلُوم	مانند	فُعُول
رَجُل	جمع	رِجَال	مانند	فِیعال
قَلَم	جمع	أَقْلَام	مانند	أَفْعَال
طَالِب	جمع	طُلَّاب	مانند	فُعال
شاعِر	جمع	شُعراء	مانند	فُعلاء
وَلِی	جمع	أَوْلِیاء	مانند	أَفْعِلاء
مَسْجِد	جمع	مَساجِد	مانند	مَفاعِل
مَسْکین	جمع	مَساکین	مانند	مَفاعیل
وَسْوَسة	جمع	وَساوس	مانند	فَعالِل

منسوب

گاه به آخر اسم، علامت «**ی**» افزوده می‌شود تا بیانگر نسبت و ارتباط یک چیز با آن اسم باشد. به کلمه دارای این علامت «منسوب» گفته می‌شود.

حُسَین ← حُسَینی ← مَشْهَد ← مَشْهَدی

مُصَغَّر

برای نشان دادن کوچکی یا نوعی کم و کاستی در یک چیز، اسم را مصغر می‌کنیم. برای ساخت مصغر، حرف اول اسم را مضموم و حرف دوم را مفتوح کرده، سپس یک یاء ساکن اضافه می‌کنیم؛ بنابراین مصغر اسم ثلاثی مجرد، بر وزن **فُعِیل** خواهد بود.

رَجُل (مرد) ← رُجَیل (مرد کوچک)
عَبْد (بنده) ← عَبِید (بنده حقیر و ناچیز)

خلاصه درس

* شیوه ساخت

مثنی: اسم + ان / ـین

جمع سالم مذکر: اسم + ـون / ـین

جمع سالم مؤنث: اسم + ات

جمع سالم مکسر: تغییر اسم در قالب اوزان جمع مکسر

منسوب: اسم + ـی

مصغر: تغییر اسم در قالبی خاص؛ مثل «فُعَيْل» برای ثلاثی مجرد

پرسش و تمرین

۱- از کلمات مفرد ذیل، مثنّی بسازید:

صالح، فاطمة، خصلة، رزق، ناقة

۲- کلمات مذکور را جمع سالم مذکور و کلمات مؤنث را جمع سالم مؤنث ببندید:

مدرّس، متشابهة، عالم، سعیدة، معصوم

۳- سه کلمه اول را منسوب و سه کلمه بعدی را مصغّر کنید:

قرآن، مُحَمَّد، نجف، حسن، جبل، نمر

۴- در آیه و روایت زیر، مفرد کلمات رنگی را بنویسید.

* ﴿الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾^۱.

* الإمامُ الباقرُ عليه السلام: بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَذَا لِسَانَيْنِ يُطْرِي أَخَاهُ شَاهِدًا وَيَأْكُلُهُ

غَائِبًا إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَإِنْ ابْتُلِيَ خَذَلَهُ^۲.

۱. آل عمران: ۱۷؛ آنها که (در مسیر اطاعت و ترک گناه) استقامت می‌ورزند؛ راستگو هستند؛ خاضع‌اند؛ (در راه او) انفاق می‌کنند؛ و در سحرگاهان از خداوند آمرزش می‌طلبند.

۲. الأمالی (للصدوق)؛ ص ۳۳۷؛ چه بد عبدی است عبدی که «دو رو» و «دو زبان» است؛ در حضور، از برادر (دینی) اش تعریف و تمجید می‌کند و در غیاب، بدگویی و غیبت او را می‌کند. اگر به برادرش چیزی برسد، به او حسد می‌ورزد و اگر رنجی ببیند، او را یاری نمی‌کند.

درس دوازدهم

اسم فاعل و اسم مفعول

این درس به:

* تعریف اسم فاعل و اسم مفعول

* چگونگی ساخت آن دو

* صیغه های اسم فاعل و اسم مفعول

خواهد پرداخت.

تعریف اسم فاعل و اسم مفعول

اسم فاعل اسمی است که بر کسی یا چیزی که «کاری از او سرزده» دلالت می کند.

اسم مفعول اسمی است که بر کسی یا چیزی که «کاری بر او واقع شده» دلالت می کند.

شیوه ساخت در افعال ثلاثی مجرد

اسم فاعل: بر وزن «**فَاعِلٌ**» ساخته می شود؛ مانند:

عَبَدٌ ← **عَابِدٌ** (عبادت کننده)

اسم مفعول: بر وزن «**مَفْعُولٌ**» ساخته می شود؛ مانند: **مَعْبُودٌ** (عبادت شده)

شیوه ساخت در افعال غیر ثلاثی مجرّد

اسم فاعل در غیر ثلاثی مجرّد (یعنی: ثلاثی مزید، رباعی مجرّد و رباعی مزید) از مضارع معلوم ساخته می‌شود؛ به این صورت که یک میم مضموم به جای حرف مضارعه قرار می‌دهیم و حرف ماقبل آخر فعل را اگر مکسور نیست، مکسور می‌کنیم؛ مانند:

يُعَلِّمُ ← مُعَلِّمٌ (باخبر کننده)

يَتَعَلَّمُ ← مُتَعَلِّمٌ (یادگیرنده)

اسم مفعول از مضارع مجهول ساخته می‌شود؛ به این صورت که میم مضموم به جای حرف مضارعه قرار می‌دهیم؛ مانند:

يُعَلِّمُ ← مُعَلَّمٌ (باخبر شده، آگاه شده)

صیغه‌های اسم فاعل و اسم مفعول

اسم فاعل و اسم مفعول دارای شش صیغه‌اند. تنوع در جنسیت (مذکر، مؤنث) و تعداد (مفرد، مثنی و جمع)، صیغه‌های مختلف را شکل می‌دهد.

مؤنث	مذکر		
عَابِدَةٌ	عَابِدٌ	مفرد	اسم فاعل
عَابِدَاتَانِ - عَابِدَتَيْنِ	عَابِدَانِ - عَابِدَيْنِ	مثنی	
عَابِدَاتٍ	عَابِدُونَ - عَابِدِينَ	جمع	
مَعْبُودَةٌ	مَعْبُودٌ	مفرد	اسم مفعول
مَعْبُودَاتَانِ - مَعْبُودَتَيْنِ	مَعْبُودَانِ - مَعْبُودَيْنِ	مثنی	
مَعْبُودَاتٍ	مَعْبُودُونَ - مَعْبُودِينَ	جمع	

خلاصه درس

- * «اسم فاعل» بیانگر «کننده کار» است و «اسم مفعول» بر «آنچه کار بر او واقع شده»، دلالت دارد.
- * در افعال ثلاثی مجرد، اسم فاعل بر وزن «فاعل» و اسم مفعول بر وزن «مفعول» ساخته می‌شود.
- * در افعال غیر ثلاثی مجرد، اسم فاعل از مضارع معلوم (با مکسور کردن ماقبل آخر) و اسم مفعول، از مضارع مجهول ساخته می‌شود و در هر دو، به جای حرف مضارعه، میم مضموم قرار می‌گیرد.
- * اسم فاعل و اسم مفعول دارای شش صیغه‌اند.

پرسش و تمرین

۱- اسم فاعل و اسم مفعول را تعریف کنید.

۲- اسم فاعل و اسم مفعول افعال زیر را بسازید:

غَلَبَ، حَمِدَ، عَلِمَ، أَفْرَطَ، بَدَّلَ

۳- شش صیغه اسم فاعل و اسم مفعول‌های زیر را صرف کنید:

عَالِمٌ، مَحْفُوظٌ، مُعَلِّقٌ

۴- در آیات و روایت زیر، کلمات رنگی، اسم فاعل هستند یا اسم مفعول؟ وزن هر

کدام را نیز بنویسید.

* ﴿... فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانًا نَكْتُلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱

* ﴿قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَى...﴾^۲

* ﴿نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ﴾^۳

* ﴿الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ... عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ، مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ، حَافِظًا لِلْسَانَةِ﴾^۴

۱. یوسف: ۶۳؛ پس برادرمان را با ما بفرست، تا پیمانهای (از غله) دریافت داریم؛ و به یقین ما محافظ او خواهیم بود.

۲. بقره: ۲۶۳؛ گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از تندخویی آنها)، از صدقه‌ای که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است ...

۳. واقعه: ۶۰؛ ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم و هرگز ما مغلوب نخواهیم شد.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۲؛ بر عاقل است که آگاه به (اوضاع) زمان خود بوده، به امورات خود پرداخته و نگه‌دار زبان خود باشد.

درس سیزدهم

صفت مُشَبَّهه، اسم مبالغه، اسم تفضیل

این درس به:

* تعریف صفت مُشَبَّهه، اسم مبالغه و اسم تفضیل

* اوزان هر یک از این سه

خواهد پرداخت.

صفت مُشَبَّهه

صفت مُشَبَّهه، اسمی است که بر کسی یا چیزی که دارای یک صفت (حالت) است،

دلالت دارد؛ مانند:

سَعِيد (سعادت‌مند).

صفت مُشَبَّهه دارای اوزان متعدّدی است؛ از جمله:

زيبا	جَمِيل	مانند	فَعِيل
سياه	أَسْوَد	مانند	أَفْعَل
تشنه	عَظْشَان	مانند	فَعْلَان
سخت	صَعْب	مانند	فَعْل

اسم مبالغه

اسم مبالغه، اسمی است که بر کسی یا چیزی دلالت می‌کند که به مقدار زیاد، انجام‌دهنده کار یا دارنده صفت است؛ مانند:

قَاتِل (کُشنده) ← قَتَال (بسیار کُشنده)

كَبِير (بزرگ) ← كُبَار (بسیار بزرگ)

اسم مبالغه نیز دارای چندین وزن است؛ از جمله:

مانند	سَتَّار	بسیار پوشاننده
مانند	عَلَامَة	بسیار دانا
مانند	صَدِيق	بسیار راستگو
مانند	شَكُور	بسیار شاکر
فَعَال		
فَعَالَة		
فَعِيل		
فُعُول		

اسم تفضیل

اسم تفضیل، اسمی است که بر کسی یا چیزی دلالت دارد که در کار یا صفتی، بر دیگری یا دیگران پیشی گرفته است؛ مانند:

أَقْتَل (کُشنده‌تر)

أَكْبَر (بزرگ‌تر)

اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» ساخته می‌شود و با وزن «فُعَلِي» مؤنث می‌شود؛ مانند: أَكْبَر،

كُبْرَى.

خلاصه درس

- * صفت مشبَّهه بر صاحب «صفت» دلالت دارد.
- * اسم مبالغه بر صاحب «کاری یا صفت به مقدار زیاد» دلالت دارد.
- * اسم تفضیل بر صاحب «کاری یا صفت به مقدار بیش از غیر خود» دلالت دارد.

پرسش و تمرین

- ۱- تعریف هریک از صفت مشبَّهه، اسم مبالغه و اسم تفضیل چیست؟
- ۲- وزن اسم تفضیل را بیان کرده، برای هریک از صفت مشبَّهه و اسم مبالغه، چهار وزن برشمرید.
- ۳- در آیات و روایات زیر، کلمات رنگی، چه نوعی از اسم هستند؟ وزن هریک را نیز بنویسید.

* ﴿... إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾^۱.

* ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ...﴾^۲.

* ﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾^۳.

* الإمام السَّجَّادُ عليه السلام: مَنِ اجْتَنَبَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ وَمِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ^۴.

* الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبْعَانَ وَجَارُهُ جَائِعٌ^۵.

۱. ابراهیم: ۳۴؛ انسان، بسیار ستمکار و ناسپاس است.

۲. اعراف: ۱۸۰؛ و بهترین نام‌ها برای خداست.

۳. معارج: ۵؛ پس صبر کن، صبری نیکو.

۴. الامالی (المفید)؛ ص ۱۸۵؛ هر که از آنچه خدا بر او حرام کرده، اجتناب کند، از عابدترین و پرهیزکارترین مردم است.

۵. الکافی؛ ج ۴، ص ۷۶۱؛ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: به من ایمان نیاورده آنکه شب، سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد.

مبحث غیر سالم

(تغییرات لفظی)

دفتر تدوین متن درس حوزه های علمیّه

درس چهاردهم

سالم و غیر سالم

این درس به:

* تعریف کلمه «سالم»

* اقسام کلمه «غیر سالم»

* انواع کلمه «معتل»

خواهد پرداخت.

سالم و غیر سالم

از بین حروف الفبای زبان عربی، حروف «ا، و، ی» که حروف عِلَّه نامیده می‌شوند و حرف همزه در معرض تغییر هستند. همچنین کلمه‌ای که عین الفعل و لام الفعل آن، یکسان باشد نیز در معرض تغییر است. حال اگر:

الف) در حروف اصلی کلمه، حرف عِلَّه وجود داشته باشد، آن کلمه «مُعْتَل» نامیده می‌شود؛

مانند: وَعَدَ؛

ب) در حروف اصلی آن، همزه باشد، «مَهْمُوز» نامیده می‌شود؛ مانند: أَمَرَ؛

(ج) عین الفعل و لام الفعل آن یکسان باشد، «مُضَاعَف» نامیده می‌شود؛ مانند: **قُلِّل**. در مقابل، کلمه‌ای که در هیچ‌یک از سه دسته فوق قرار نگیرد، **سالم** نامیده می‌شود؛ زیرا معمولاً در معرض «تغییر» نیست؛ اما کلمات غیر سالم در معرض تغییرند و با توجه به اینکه علم صرف، علم شناسایی کلمه است، بخشی از مسائل مهم این دانش، بر محور کلمات غیر سالم است. تغییرات کلمات غیر سالم، از نوع **تغییرات لفظی** است؛ یعنی تغییراتی که انگیزه و هدف آن **سهولت تلفظ** در این کلمات است.

مُعْتَل

معتل کلمه‌ای است که یک یا چند حرف از حروف اصلی آن، حرف عله باشد؛ در مقابل، کلمه «**صَحِيح**» کلمه‌ای است که هیچ‌کدام از حروف اصلی آن «حرف عله» نیست. مهم‌ترین انواع **معتل** عبارت است از:

- الف) «**مِثَال**» یا معتل الفاء: کلمه‌ای که فاء الفعل آن حرف عله است؛ مانند: **وَعَدَ**^۱، **يُنْبِرُ**^۲
 ب) «**أَجْوَف**» یا معتل العین: کلمه‌ای که عین الفعل آن حرف عله است؛ مانند: **قَالَ**، **بَيْع**
 ج) «**نَاقِص**» یا معتل اللام: کلمه‌ای که لام الفعل آن حرف عله است؛ مانند: **دَعَا**^۳، **سَعَى**
 د) «**لَفِيف**»: کلمه‌ای که دو حرف از حروف اصلی آن حرف عله است که خود بر دو قسم است:

۱. **لَفِيف مَفْرُوق** یا معتل الفاء واللام: کلمه‌ای که فاء الفعل و لام الفعل آن حرف عله‌اند؛

مانند: **وَفَى**^۴، **وَحَى**

۲- **لَفِيف مَقْرُون**: کلمه‌ای که در آن، دو حرف از حروف اصلی کنار هم (مثلاً عین الفعل و

لام الفعل) حرف عله‌اند؛ مانند: **غَوَى**^۵

۱. وعده داد.

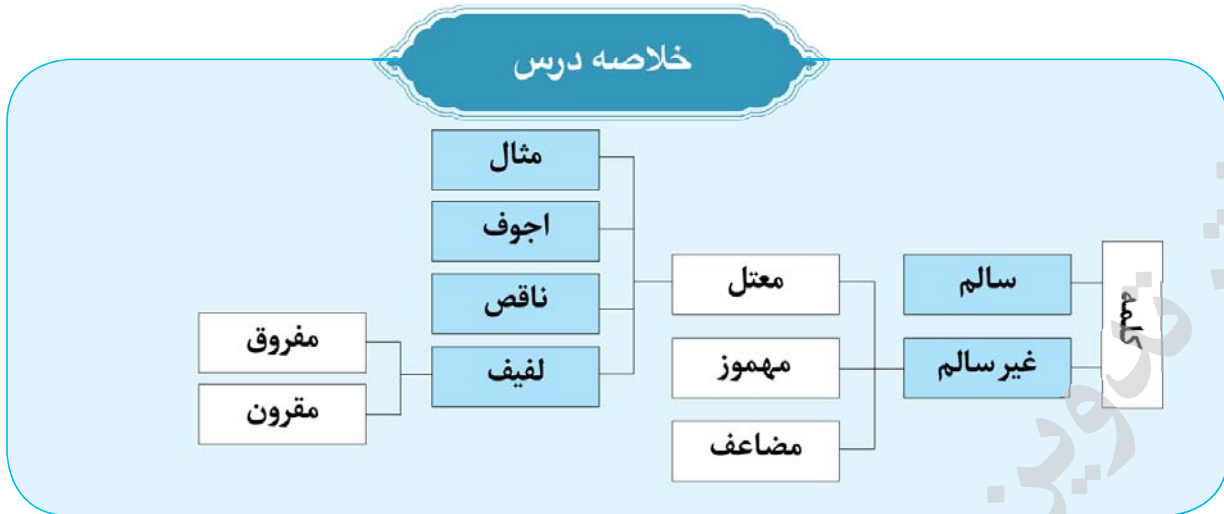
۲. آسانی.

۳. صدا زد، فراخواند، دعا کرد.

۴. وفا کرد.

۵. گمراه شد.

خلاصه درس



پرسش و تمرین

- ۱- انواع کلمات غیر سالم را نام ببرید و تعریف کنید.
- ۲- اقسام معتل را تعریف کنید.
- ۳- در آیات و روایت زیر، کلمات رنگی، معتل اند. نوع هریک از معتل ها را بنویسید:
 - * ﴿وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ...﴾^۱
 - * ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا...﴾^۲
 - * ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى﴾^۳
 - * الإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: **أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَآخِرُهُ عَفْوُ اللَّهِ وَالْعَفْوُ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ ذَنْبٍ**.^۴

۱. بینه: ۵؛ و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را پرستند و دین خود را برای او خالص کنند.

۲. احقاف: ۱۵؛ به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند.

۳. نجم: ۳۹ و ۴۰؛ و اینکه برای انسان چیزی جز (حاصل) سعی و کوشش او نیست و اینکه تلاش او به زودی دیده می شود.

۴. من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۱۷؛ نماز اوّل وقت سرشار از خشنودی خدا و در پایان وقت مشمول عفو و بخشش خداوند می شود. (بدیهی است) عفو و بخشش در جایی است که گناهی در کار بوده باشد.

درس پانزدهم

اعلال

این درس به:

* تعریف اعلال و انواع آن

* برخی از قواعد هر یک از انواع اعلال

خواهد پرداخت.

اعلال

برای سهولت در تلفظ حروف عله، در موارد بسیاری، این حروف دچار تغییراتی می شوند. این تغییرات، «اعلال» نامیده می شوند.

انواع اعلال

- ۱- «اسکانی» یعنی ساکن کردن حرف عله؛ مانند: **يَصُوْمُ** ← **يَصُوْمُ**^۱
- ۲- «قلبی» یعنی تبدیل حرف عله به حرف دیگر؛ مانند: **صَوَمَ** ← **صَامَ**
- ۳- «حذفی» یعنی حذف حرف عله؛ مانند: **لَيَصُوْمُ** ← **لَيَصُمُ**

برخی قواعد اعلال

برخی از مهم‌ترین قواعد اعلال عبارتند از:

❖ در اجوف، اگر واو و یاء مضموم یا مکسور، بعد از حرف ساکن قرار گرفته باشند، حرکت خود را به ماقبل می‌دهند؛ مانند:

يَقُولُ ← يَبِيعُ ← يَبِيعُ^۲

❖ واو ساکن در صورتی که ماقبلش مکسور باشد، (متناسب با حرکت ماقبل) تبدیل به یاء می‌شود؛^۳ مانند:

مِيزَان ← مِيزَان^۴ ← صِوَعَةٌ ← صِيعَةٌ

❖ واو و یاء متحرک در صورتی که ماقبلشان مفتوح باشد، (متناسب با حرکت ماقبل) تبدیل به الف می‌شوند؛ مانند:

قَوْلٌ ← قَوْلٌ ← خَافٌ ← خَافٌ

بِيعٌ ← بَاعٌ ← رَمَى^۵ ← رَمَى

❖ اگر وضعیتی پیش آید که دو حرف ساکن در کنار هم قرار گیرند (التقاء ساکنین)، برای خروج از این وضعیت، حرف عله را حذف می‌کنیم؛ مانند:

يَقُولُ^{فعل امر} ← يَبِيعُ ← لِيَقُلْ.

۱. در این بخش از کتاب نیز همانند سایر بخش‌ها، به کلیات بحث پرداخته شده و از ذکر قیود و شرایط خاص هریک از قواعد اعلال اجتناب شده است.

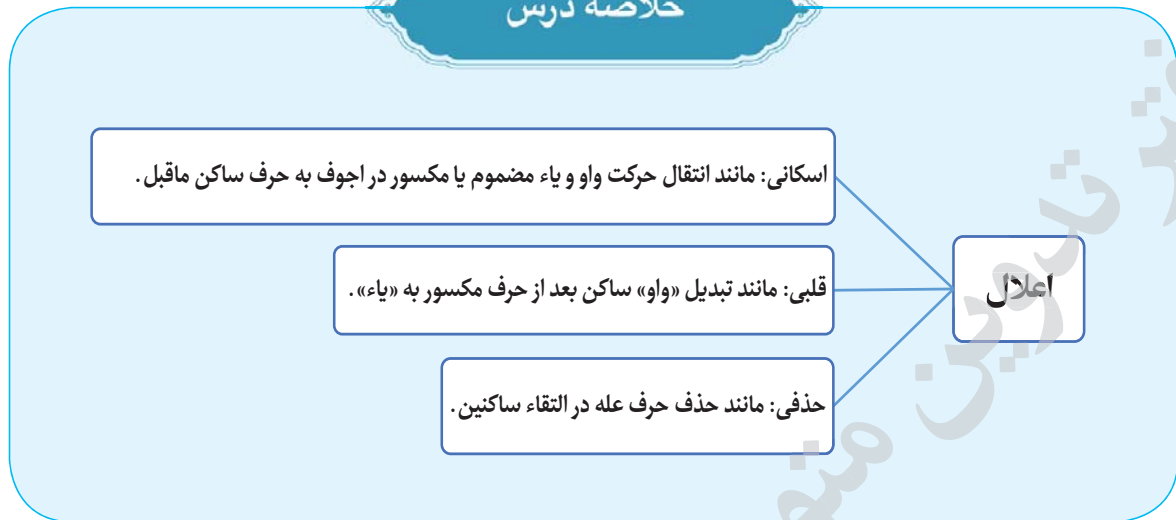
۲. می‌فروشد.

۳. حرکت متناسب با واو، ضمه، حرکت متناسب با یاء، کسره و حرکت متناسب با الف، فتحه است. در صورتی که حرف عله، ساکن باشد و حرکت قبل آن، متناسب با آن باشد، آن را «حرف مدّ» می‌نامند.

۴. ترازو.

۵. پرتاب کرد.

خلاصه درس



پرسش و تمرین

- ۱- اعلال چیست؟ انواع آن کدام است؟
- ۲- ضمن باز گو کردن ۴ قاعده اعلال، مشخص کنید هر کدام، از کدام یک از انواع اعلال هستند.
- ۳- چه اعلالی در کلمات زیر اجرا می شود؟ حالت بعد از اعلال هر کلمه چیست؟
جَرَى، مَوْعَاد، يَعُوذُ، هَيْبَ، مَوْثِمَ، جَوْلَ، صِيغَةَ اَوَّلِ امْرَاةٍ يَسْبُوهُ

درس شانزدهم

تخفیف و ادغام

این درس به:

* «مهموز» و «تخفیف همزه»

* «مضاعف» و «ادغام»

خواهد پرداخت.

مهموز

همانگونه که گذشت «مهموز» کلمه‌ای است که در میان حروف اصلی آن «همزه» وجود داشته باشد:

۱- «مهموز الفاء»؛ مانند: **أَمَرَ**؛

۲- «مهموز العین»؛ مانند: **سَأَلَ**؛

۳- «مهموز اللام»؛ مانند: **قَرَأَ**.

نکته

همزه غالباً روی «کرسی» (پایه) نوشته می‌شود؛ مانند: **أَمَرَ**، **سُئِلَ**، **مُؤْمِنٌ** و گاهی بدون کرسی نوشته می‌شود؛ مانند: **سُوءٌ**.

تخفیف همزه

تلفظ حرف «همزه» - به ویژه در برخی حالات - در مقایسه با بسیاری از حروف دیگر عربی، مقداری دشوارتر است؛ از این رو گاه با «تبدیل» همزه به حرف دیگری «حذف» همزه، تلفظ آن تسهیل می شود.

به تغییرات همزه، «تخفیف» گفته می شود. مهم ترین قاعده تخفیف همزه از این قرار است:

اگر در کلمه ای، همزه ساکن بعد از همزه متحرک قرار گیرد، باید همزه ساکن را به «حرف مدّ» یعنی حرف عله متناسب با حرکت ماقبل «تبدیل» کنیم؛ بنابراین:

- اگر حرکت ماقبل، فتحه باشد، همزه ساکن به «الف» تبدیل می شود؛ مانند: **أَمَّنَ** ← **أَمَنَّ** (أَمَنَّ)
- اگر حرکت ماقبل، کسره باشد، همزه ساکن به «یاء» تبدیل می شود؛ مانند: **إِيمَان** ← **إِيمَانِي**
- اگر حرکت ماقبل، ضمه باشد، همزه ساکن به «واو» تبدیل می شود؛ مانند: **أَوْمِنَ** ← **أَوْمِنُو**

مضاعف

دانستیم که کلمه ای که عین الفعل و لام الفعل آن، مثل هم (متماثل) باشد، مضاعف نامیده می شود.

از آنجا که تلفظ پشت سرهم دو حرف یکسان، مقداری دشوار است، مضاعف - برای تسهیل در تلفظ - در معرض تغییراتی قرار می گیرد که مهم ترین آنها «ادغام» است.

ادغام

ادغام یعنی دو حرف کنار هم به صورت «حرف مشدّد» و بدون فاصله «تلفظ» شود؛ مانند:

مَدَّدُ ← **مَدُّ**

شیوه ادغام

برای ادغام، باید حرف اول، ساکن و حرف دوم، متحرک باشد؛ حال اگر حرف اول نیز متحرک باشد:

الف) در صورتی که ماقبل این دو حرف، ساکن باشد، معمولاً حرکت حرف اول را به آن منتقل می‌کنیم تا شرایط ادغام فراهم شود؛ مانند:

يَسْرُرٌ ← يَسْرُورٌ ← يَسْرُرٌ!

ب) در غیر این صورت، حرکت حرف اول را حذف می‌کنیم؛ مانند:

سُرُرٌ ← سُرُورٌ ← سُرُرٌ.

خلاصه درس

- * مهم‌ترین قاعده تخفیف همزه: تبدیل همزه ساکن پس از همزه متحرک، به حرف مدّ متناسب با حرکت ماقبل.
- * مهم‌ترین تغییر در مضاعف، ادغام است. برای ادغام، باید حرف اول، ساکن باشد و حرف دوم، متحرک.

پرسش و تمرین

- ۱- تخفیف همزه چیست؟
 - ۲- ادغام چیست؟ علت اجرای آن در کلمات مضاعف چیست؟
 - ۳- اگر دو حرف متمائل، هر دو متحرک باشند، چگونه زمینه ادغام را فراهم می‌کنیم؟
 - ۴- در آیات زیر، کلمات رنگی مهموز هستند، نوع مهموز و وزن هریک را بنویسید.
- * ﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ...﴾^۱.
- * ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾^۲.

۱. توبه: ۶۵؛ و اگر از آنها بپرسی: («چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟!») ، می‌گویند: «ما شوخی و بازی

می‌کردیم.»

۲. فصلت: ۸؛ اَما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، پاداشی دائمی دارند.

درآمدی بر علم صرف، براساس سرفصل‌های مصوب و متناسب با مرحله آشنایی
تدوین گردیده است.

برخی از ویژگی‌های این کتاب عبارت است از:

۱. بیان ساختار علم صرف و مفاهیم اساسی آن با قلمی روان و شیوا؛
۲. بهره‌مندی از آیات مبارکه قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام؛
۳. تنوع مثال‌ها و ترجمه آن‌ها؛
۴. پرهیز از تأکید بر موارد سماعی و خلاف قاعده؛
۵. طرح جداول مناسب با مرحله آشنایی؛
۶. استفاده از تنوع رنگ‌ها.



انستیتوت مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

۰۲۵ - ۳۷۷۴۸۳۸۳

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۰۲۵ - ۳۲۹۱۰۹۷۰

WWW.TMD.IR